

حقایق پنهان قانون اساسی سال 1382

قانون پوه محمد اشرف رسولی

حوت سال 1403

چکیده

قانون اساسی، عالیتزین سند حقوقی در یک کشور بوده که کلیه امور و شئون کشوری را تنظیم و روابط میان ارکان دولت، حکمروایان و حکمبرداران را به شکل متعادل آن تثبیت می نماید. قانون اساسی مجموعه قواعدی است که بر دولت حاکمیت دارد و به نوعی زمینه نظارت و حاکمیت مردم را بر امور دولت تنظیم می نماید، صلاحیت های نهاد ها و ادارات دولت را مشخص و معین می سازد. قانون اساسی عمدتاً حقوق و آزادی های اساسی مردم را که در برگیرنده حقوق بشری یا انسانی آنها می باشد، طی احکام و مواد خود تسجیل می نماید تا آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصون قرار داده شده، جلوحق تلفی، استبداد، ظلم و بی عدالتی گرفته شود.

قانون اساسی سال 1382 پس از یک سلسله درگیری ها و منازعات سالیان متعدد به اثر تجاوزات و مداخلات خارجی و جنگ های داخلی ساخته شد که هدف آن ساختار یک اداره نظام مندی بود تا حکومت مردم سالاری را حاکم و بتواند عدالت را در جامعه تأمین و جلوحق تلفی ها را بگیرد. کمیسیون های معینه تسوید و تدقیق قانون اساسی با استفاده از نظریات و پیشنهاد های کارشناسان داخلی و بین المللی و نظریات مردم طرح قابل قبولی را تهیه و به دولت ارایه نمودند. با کمال تأسف که حکمروایان وقت به خاطر تقویت قدرت خود و استفاده از سلیقه های شخصی؛ نهاد های ضروری مندرج در آن را حذف و در احکام آن تغییراتی وارد نمودند که سبب ایجاد دردسر های آینده و حتا سقوط نظام سیاسی در کشور گردید.

هدف این نوشته توضیح حقایق پشت پرده یا دستکاری ها و تحریفاتی است که چه در زمان تدوین و طی مراحل و چه پس از تصویب و در زمان تطبیق در این قانون صورت گرفت. این نوشته به اساس چشم دید های نگارنده در طی مراحل قانون اساسی ترتیب شده است که به اساس تحقیقات کتاب خانه یی ترتیب گردیده است.

واژه ها

قانون اساسی، حاکمیت، کمیسیون ها، مردم سالاری، حکمروایان، لویه جرگه، تحریف.

مقدمه و پیشینه موضوع

قانون اساسی سال 1382 در لویه جرگه قانون اساسی که از تاریخ 22 قوس الی 14 جدی سال 1382 هجری شمسی در شهر کابل دایر گردیده بود، در جلسات متعدد بالای آن بحث صورت گرفت و به تاریخ 14 جدی از طرف رئیس لویه جرگه، تصویب شده تلقی گردید.

به تأسی از حکم ماده یکصد و شصت و دوم قانون مذکور، این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام گردد.

طبق حکم فوق، قانون مذکور به رئیس دولت سپرده شد تا آن را توشیح و اعلام نماید. قانون اساسی افغانستان به تاریخ 6 دلو سال 1382 از طرف رئیس دولت انتقالی توشیح و طی فرمان شماره 103 مؤرخ 7/11/1382 انفاذ اعلام گردید.

قانون اساسی افغانستان دارای یک مقدمه، 12 فصل و 162 ماده می باشد.

قابل ذکر است که طرح قانون اساسی پس از مراحل تسوید و تدقیق توسط کمیسیون های معینه به شکل رسمی طی نامه یی به ریاست دولت سپرده شد. اما چه در طرح مرتبه کمیسیون ها و چه پس از تصویب آن توسط لویه جرگه در آن تغییراتی وارد شد. این تغییرات که طور سلیقوی و نیز به خاطر کسب قدرت بیشتر رئیس جمهور صورت گرفت؛ بعدها سبب ایجاد مشکل در اجراءات نهادها و تقابل میان آن ها گردید. این امر سبب توسعه قدرت رئیس دولت گردیده و برای وی زمینه را مساعد ساخت تا مطابق میل خود در مواد آن مداخله و احکام آن را تحریف نماید.

شکی نیست که یکی از موارد سقوط نظام دولت را می توان ناشی از این مداخلات و تحریفات و تمرکز بی مورد قدرت در یک دست؛ در این قانون دانست.

نیاز به قانون و قانون اساسی

قانون یکی از ضروریات و لازمه زندگی اجتماعی است. بدون موجودیت قانون، پیشبرد زندگی اجتماعی مسالمت آمیز، ممکن و میسر نمی باشد.

قانون است که در آن حقوق همه شهر وندان توضیح، احترام و رعایت آن از طرف دولت تضمین می گردد. قانون از یک طرف روابط میان نهاد های دولت و از جانب دیگر روابط میان دولت و مردم را تأمین می نماید. حقوق و وجایب طرفین را تعیین و تحدید می کند. تطبیق سالم قانون و تحکیم حاکمیت آن در جامعه، سبب آن می گردد تا جلو یکه تازی ها و خودسری ها گرفته شود. (نقد و تحلیل قانون اساسی جلد 1، ص 67، سال 1389).

از آنجا که قانون تنظیم کننده روابط میان افراد جامعه است، از این رو از جمله خصوصیات و ویژگی های جوامع مدنی، موجودیت قانون و تحکیم حاکمیت آن است. حاکمیت قانون از اصول مهم سیاسی و حقوقی است که هدف آن تأمین برابری و مساوات میان افراد جامعه، جلوگیری از ظلم و حق تلفی، خود سری و قانون شکنی است.

قانونی که اصل، منبع و مادر سایر قوانین می باشد، عبارت از قانون اساسی است. از نگاه متنی، قانون اساسی شامل قواعدی است؛ حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و تسجیل، رعایت و تضمین حقوق و آزادی های شهروندان. قانون اساسی در کشور از سایر قواعد حقوقی برتر بوده و هدف اساسی آن حفظ و نگهداری پیمانی است که میان ملت و دولت منعقد گردیده است. قانون اساسی در یک کشور، حیثیت قانون اصل و مادر را داشته و شامل قواعدیست که نوع حکومت و سازمان قوای ثلاثة کشور (مقننه، اجرائیه و قضائیه) را تنظیم، حقوق و آزادیهای اساسی شهروندان را تسجیل، شکل حکومت، تشکیل پارلمان را توضیح، حدود و ثغور اختیارات و وظایف هریک از قوا را تثبیت می کند، مراجع ذیصلاح دولت را معین می سازد و اختیارات آنها را محدود می نماید، تشکیلات قضائی را توضیح و رابطه میان قوای سه گانه دولت را تنظیم می کند و با قبول اصل تفکیک قوا، سیستم چک و بیلانس را بوجود می آورد، تا از یکطرف حدود صلاحیت هر قوه مشخص باشد و از جانبی هم بتوانند به طور غیر مستقیم اعمال یک دیگر را به نحوی کنترل و با این وسیله، سیستم ایجاد گردد و امور دولت به شکل بهتر و درست آن سازمان داده شود. از پایمالی حقوق دیگران (حقوق افراد) جلوگیری به عمل آید و اجراءات به نحو درست آن صورت گیرد.

قانون اساسی از یک طرف حدود و ثغور آزادی شهروندان را در برابر عملکرد قدرت با دولت و از جانب دیگر حدود اعمال و تشکیلات حاکم را در برخورد با حوزه حقوق فردی ترسیم می نماید. (قاضی ابوالفضل، 1371: 95).

در واقع، قانون اساسی منشوری است اساسی، که در یک کشور، ماهیت و نقش قدرت و همچنان مجموع حقوق و وظایف اساسی شهروندان را معین می کند.

قانون اساسی شیوة اعمال ویا انتقال حاکمیت یعنی شکل حکومت، اختیارات و عملکرد های قدرت های مربوط به دولت، حقوق مهم و اساسی افراد و بالاخره مشارکت شهروندان در اعمال قدرت از طریق حق رأی یا گزینش آزادانه نمایندگان را معین می سازد. (قاسم زاده، 1341: 8).

بنا برآن گفته می توانیم که: از لحاظ ماهیت، قانون اساسی قواعدیست حاکم بر اساس حکومت و تعیین و تثبیت صلاحیت های قوای سه گانه دولت، رعایت و تضمین حقوق و آزادی های فردی.

از لحاظ شکل، قانون اساسی تابع طی تشریفات و شکلیات خاص است. این شکلیات غیراز آنچه است که جهت طی مراحل یک قانون عادی لازم دارد.

شناسائی حقوق مردم و محدود ساختن صلاحیت فرمانروایان و حکام، زمینه های خوبی را برای تطبیق حقوق بشرمساعد می سازد. این امر سبب آن می گردد تا کرامت انسانی احترام، حقوق بشر و آزادی های افراد تضمین و جلو هر نوع استبداد و خود

قانون اساسی کارساز

مطالعات حقوقی مبین این حقیقت است که قانون اساسی کارساز و منطقی، بایست اصول زیررا مدنظر داشته باشد: (رسولی، نقد و تحلیل قانون اساسی 1388: جلد 1، صصص 20-21).

1- رعایت اصل حاکمیت مردم، طوری که به مردم حق داده شود تا ازطریق انتخابات عمومی، آزاد، مستقیم و سری نمایندگان خود را انتخاب نمایند، در این صورت مردم حاکمیت را از طرف خود طور مستقیم یا از طریق نمایندگان خود به صورت غیر مستقیم عملی می نمایند. ازجانبی هم این امر زمینه مشارکت و سیع مردم را در قدرت، رهبری و اداره امورکشور فراهم می سازد. آنها می توانند براعمال زمامداران نظارت نمایند.

2 - سرشکن کردن قدرت یا جلوگیری از تمرکز قدرت در یک دست، به این معنی که قدرت میان اندام های مختلف دولت توزیع گردیده و حدود و ثغور وظایف و صلاحیتهای مقامات مسؤول، مشخص ساخته می شود. این امریکی از ویژه گی های حکومت مردم سالاری است تا قدرت سرشکن ساخته شده و میان فرمانروایان توزیع گردد.

3 - تفکیک قوا، یکی از اصول مهم دولتمداری در حال حاضر، رعایت اصل تفکیک قوا و قبول استقلالیت هر قوه در برابر قوه دیگر است. تطبیق این قاعده میان ارکان دولت، توازن را به میان می آورد.

4 - تطبیق یک سان و برابر قانون بالای حکمبرداران و حکمروایان، طوری که قانون برای همه افراد جامعه اعم از حاکم و زمامدار و فرمانبردار وضع گردیده و بایست بالای همه یک سان تطبیق شود. عمده ترین وظیفه قانون اساسی این است که اعمال حکمروایان را تحت نظارت قرار دهد. به آنها مجال داده نشود تا خود را فوق قانون دانسته و با یکه تازی و دکتاتوری، حقوق مردم را زیر پا نمایند.

5- تسجیل و تضمین حقوق و آزادی های شهروندان، طوری که قانون اساسی حقوق و آزادی های شناخته شده بشری را به رسمیت شناخته این حقوق و آزادی هارا در مواد مختلف تسجیل نموده، رعایت آنرا تضمین می نماید.

با ارایه معلومات در مورد قانون اساسی و پیشینه آن درکشور و نیز نقش قانون اساسی در دولت؛ اکنون برای بیان اصل مطلب که همانا توضیح حقایق پنهان قانون اساسی سال 1382 است پرداخته می شود که چه جفا هایی از زمان تسوید و طرح این قانون تا زمان تصویب آن صورت گرفت. البته موضوع تطبیق قانون اساسی که چه گونه در تطبیق این احکام جفا هایی صورت گرفت ایجاب بحث جداگانه یی را می نماید.

پیشینه قانون اساسی در افغانستان

در زمان های قبل از به وجود آمدن قوانین مدون در افغانستان، نظر به اوضاع و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور، امراء، حاکمان و متنفذین محل، جای قانون را اشغال نموده بودند. آنها با اصدار احکام، فرامین و اوامر، طوری که میل و آرزوی شان بود بر مردم حکومت می نمودند. نه قانونی وجود داشت و نه هم آنها خود را تابع اوامر و ارشادات قانون قرار می دادند.

حصول استقلال سیاسی کشور بعد از جنگ سوم افغان و انگلیس، زمینه تشکیل یک دولت مستقل را تحت رهبری امیر امان الله مساعد گردانید. این شهزاده که تحت تأثیر افکار مشروطه خواهان (جان نثاران ملت) و جنبش مشروطیت دوم (جوانان افغان) قرار داشت، حاضر بر آن شد تا به تدوین اولین قانون اساسی کشور تن در دهد. (غبار، میر غلام محمد، 1387: جلد 2، ص 105).

تاریخ تهیه و ساختن قانون اساسی در افغانستان، به سال 1299 هجری شمسی بر می گردد که مصادف با اوایل قرن بیستم یا دهه دوم آن می باشد.

به خاطر کسب معلومات بیشتر به ذکر مختصری از قوانین اساسی و پیشینه آن در افغانستان پرداخته می شود.

نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان:

نظام نامه اساسی علیه دولت افغانستان من حیث نخستین قانون اساسی کشور در سال های 1301-1303 هـ ش مطابق 1923 - 1925 میلادی، تدوین گردید.

این قانون اساسی با آن که به شکل معیاری به وجود نیامده، تفکیک قوای ثلاثه در آن در نظر گرفته نشده (ماده 6 نظام نامه). و شورای منتخب مردم وجود نداشت و در نهایت صلاحیت های شاه بیش از حد و به شکل مطلق العنان در نظر گرفته شده بود، (نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان، ماده 6)، ولی خوبی های زیادی را نیز در بر داشت. طوری که در این قانون اساسی، حقوق و آزادی های شهروندان به طور نسبی توضیح و تشکیلات ادارات دولتی طوری تسجیل گردیده بود که هر کدام وظایف مشخصی را انجام می دادند. اما مشکل عمده درین نکته مضمر بود که شاه با وجود افکار و تمایلات اصلاح طلبانه، هنوز از اخلاق درباری قطع علاقه نکرده بود و خود را کاملن متعهد به رعایت قانون و قواعد وضع شده نمی دانست و مطابق میل خود عمل می کرد. (عثمان، 1384: 50)

از جانبی هم در این قانون اساسی، پادشاه شخصاً وظیفه صدارت را عهده دار شده از تعیین و معرفی صدراعظم سر باز می زند، در حالی که شاه هیچ نوع مسؤولیت در برابر شورای ملی و هیچ مرجع دیگر نداشت. بدین لحاظ این قانون اساسی نتوانست کابینه یا هیئت وزرا را نزد شورای ملی مسؤول بسازد.

(عثمان، محمد اکرم، ص 50 سال 1384).

اصولنامه اساسی دولت افغانستان:

این اصولنامه در 8 عقرب سال 1310 هـ ش مصادف 11 اکتوبر سال 1931 میلادی در زمان حکمروایی محمد نادر شاه نافذ گردید و دارای 110 ماده و 2 تعدیل است. اکثر مواد این اصولنامه اساسی از مواد مربوط نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان اقتباس شده است و کمتر موضوع تازه در آن، وجود دارد. نکته بسیار عمده در این قانون اساسی میراثی قرار دادن سلطنت و پادشاهی در خاندان محمد نادر شاه می باشد. یگانه ویژه گی این قانون اساسی دوام آن تا زمان تصویب قانون اساسی مشروطیت بود. این قانون اساسی به غرض طبع و ترجمه برای ممالک خارجی به وجود آمده نه برای تطبیق در امور افغانستان. (غبار، 1387: ج 2، ص 105).

قانون اساسی سال 1343 و ویژگی های آن:

این قانون اساسی در نهم میزان سال 1343 هـ ش مطابق سال 1964 عیسوی در زمان پادشاهی محمد ظاهر شاه ترتیب، تدوین و نافذ گردید که دارای 11 فصل و 128 ماده می باشد و از بهترین قوانین اساسی کشور در وقت و زمان آن به حساب می رفت، که دهه یی به نام دموکراسی را بوجود آورد.

این قانون اساسی بیانگر نوعی نظام سیاسی بود، که در آن شالوده و اساس حکومت مشروطه پی ریزی گردیده است. این قانون اساسی با نظر داشت ایجابات و مقتضیات زمان و شرایط داخلی و خارجی موجود از طرف پادشاه پیشنهاد و جهت ساختن آن کمیسیونهای مؤلف گردید.

در این قانون اساسی، برای اولین بار اصول تفکیک قوا به شکل حقوقی آن رعایت گردیده و هر سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه از هم تفکیک، حدود و ثغور صلاحیت و وظایف آنها مشخص و روابط میان این سه قوه توضیح گردیده است.

این قانون اساسی که بر مبنای اصول دموکراسی تدوین گردیده، حقوق بشر و آزادی های اجتماعی و سیاسی در آن تسجیل و ضمانت هایی برای ناقضین در نظر گرفته شده است. (آئین، 1343: ص 5).

طوری که ملاحظه می گردد، قانون اساسی سال 1343 برای اولین بار، اصل تفکیک قوا را به رسمیت شناخته و سه قوه تقنینیه، اجراییه و قضائیه در آن تسجیل، حدود صلاحیت و روابط میان آنها تنظیم گردیده است. در این قانون اساسی، سیستم صدارتی یا پارلمانتاریزم پیش بینی شده، پادشاه حق انحلال پارلمان را داشت. پارلمان هم می توانست به حکومت رأی اعتماد دهد یا از آن سلب اعتماد کند. صدراعظم و وزرا نزد ولسی جرگه مسؤول وجوابده دانسته شده بود. حقوق و آزادی های مردم در این قانون اساسی مدنظر گرفته شده، رعایت حقوق بشری و ایجاد یک جامعه قانونمند، رفتن به طرف دموکراسی و انجام انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم و اشتراک مردم در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، موضوعات مهم این قانون اساسی را تشکیل می دهد.

قانون اساسی سال 1355 ه.ش:

این قانون اساسی در 5 حوت سال 1355 ه.ش معادل 1977 عیسوی در زمان جمهوریت سردار محمد داود تدوین و از طریق لویه جرگه تصویب و جاگزین قانون اساسی سال 1343 شد. این قانون اساسی بعد از کودتای 26 سرطان سال 1352 با نظر داشت تغییر نظام شاهی به جمهوری بوجود آمد که دارای یک دیباچه، 13 فصل و 136 ماده می باشد.

نکته جالب توجه طی فصل حقوق و وجایب مردم در ماده چهارم این قانون اساسی به نظر می خورد، که در آن صرف سیستم یک حزبی قبول شده است، آنهم به رهبری حزب انقلاب ملی یا حزب شخص رئیس جمهور. به هیچ حزب دیگر حق و مجال فعالیت داده نشده و تشکیل احزاب دیگر مخالف قانون اساسی دانسته شده است، طوریکه :

« برای انعکاس خواسته های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان تا زمانی که این آرزو برآورده گردد و به رشد طبیعی خود برسد، سیستم یک حزبی در کشور به رهبری حزب انقلاب ملی که بانی و پیشاهنگ انقلاب مردمی و مترقی 26 سرطان سال 1352 مردم افغانستان است بر قرار خواهد بود. » (قانون اساسی جمهوری افغانستان، 1355: ماده 40).

به همین گونه رئیس جمهور در رأس دولت، قوه اجراییه و حزب حاکم قرار داشت. (قانون اساسی جمهوری افغانستان 1355: ماده 75)، هم چنان مواد 6، 12، 26 و 65 این قانون اساسی در مورد قابل ملاحظه است. در این قانون اساسی احترام به رئیس جمهور، وفاداری به انقلاب 26 سرطان منحصراً اصل مورد تأکید قرار داده شده است. (سجادی، 1382: ص 194).

به نظر یکی از دانشمندان در این قانون اساسی غایب دایمی قاطبه مردم بود و استبداد سنتی و مستقر در روابط معاشی، به گونه برهنه تر خود را نشان داده است. (عثمان، 1382: ص 52).

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان

این اصول اساسی بعد از کودتای ثور 1357 و بالاخص در دوران تجاوز و تسلط قوای اتحاد شوروی وقت بر کشور از طرف حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحت رهبری ببرک کارمل از طریق شورای انقلابی در 25 حمل سال 1359 تصویب و انفاذ آن از تاریخ اول ثور 1359 اعلام گردید.

این اصول اساسی دارای یک مقدمه، 10 فصل و 68 ماده می باشد که با استفاده از نظریات کار شناسان ایدیولوژیک اتحاد شوروی سابق ترتیب و تدوین گردیده بود.

این اصول اساسی که مواد آن اکثر به شکل مقاله تحریر شده بیش از آن که مسایل حقوقی، قانونی و عملی در آن مطرح شده باشد، روی الفاظ، کلمات و جملات انقلابی بنا یافته و بیشتر شکل شعار گونه را داشت، طوری که در هر قسمت از زحمت کشان، کارگران و دهقانان، روشنفکران، به طور مکرر یادآوری و با فیهودالیزم و کاپیتالیزم مخالفت خود را اعلام و مردم را به خاطر مبارزه علیه آن به مبارزه تشویق می نماید. مقدمه، مواد 1، 2 و 3 نیز قابل ملاحظه است.

در این اصول اساسی ذکر شده است: «جمهوری دموکراتیک افغانستان دوستی و همکاری همه جانبه عنعنوی خود را با اتحاد شوروی و همکاری و مناسبات دوستی را با سایر ممالک اتحاد سوسیالیستی بر اصل همبستگی انترناسیونالیستی توسعه و استحکام می بخشد.» (اصول اساسی 1359: ماده 11).
قانون اساسی سال 1366 - 1369:

این قانون اساسی در زمان حکمرانی داکتر نجیب الله ترتیب و نخست در لویه جرگه سال 1366 تصویب و در سال 1369 در لویه جرگه بعدی در آن یک سلسله تعدیلات وارد گردید. این قانون اساسی دارای یک مقدمه، 13 فصل و 149 ماده می باشد که برخی مواد آن مورد تجدید نظر صورت گرفت. در تعدیلات این قانون که در سال 1369 به عمل آمد؛ اصلاحات زیادی صورت گرفت که حتی نام قانون اساسی هم تغییر داده شد.

طوری که در این قانون اساسی نام دولت به «جمهوری افغانستان» تغییر نام داده شد. متناسب با این تغییر نام، در ماهیت و متن قانون اساسی مذکور نیز تغییرات مثبت و قابل ملاحظه وارد گردید. پلورالیزم سیاسی یا تعدد احزاب، مورد قبول واقع شد. اقتصاد کشور از شکل بسته و دولتی آن قسماً به اقتصاد باز تغییر شکل نمود (قانون اساسی 1369: ماده 26). با وجود آن که بعضی از ملکیت ها و اقتصاد، دولتی بود، اما برای متشبثین خصوصی اجازه داده شد تا در بخش های مختلف اعم از بانک، بیمه، حمل و نقل و ترانسپورت زمینی و هوایی به شکل اقتصاد مختلط و خصوصی نیز فعالیت نماید.
شکل نظام و سیستم مورد قبول مردم که همانا سیستم صدارتی بود، تصویب و قسماً در عمل پیاده ساخته شد.

اصل تفکیک قوا تسجیل و قضا منحیث یک رکن مستقل دولت شناخته شد. شورای ملی باصلاحیت های لازم پیش بینی و به ولسی جرگه صلاحیت سپرده شد تا در قسمت رأی اعتماد و یا سلب اعتماد از حکومت یا هریک از وزراء ابراز نظر نماید. اعضای ولسی جرگه، شوری های ولایتی، شورای ولسوالی، شاروالی و نواحی از طریق انتخابات آزاد، عمومی، مساوی، سری و مستقیم باید از طرف مردم انتخاب می شد. غیر منسلک بودن سیاست خارجی کشور در نظر گرفته شد (قانون اساسی جمهوری افغانستان، 1369: ماده 3)، فعالیت های اقتصادی غیر دولتی و خارجی به رسمیت شناخته شد. (قانون اساسی جمهوری افغانستان، 1369: ماده 20).

شورای قانون اساسی منحیث نهاد یا مرجع خوب حقوقی بمنظور بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، سایر اسناد تقنینی و معاهدات بین المللی با قانون اساسی ایجاد گردید. به نظر یکی از دانشمندان بهترین قانون اساسی همان قانون اساسی سال 1987 است. (موسوی، گفتمان قانون اساسی). و به همین گونه دانشمندان دیگری معتقد است که، قانون اساسی سال 1987 کمبودی های قانون اساسی سال 1964 را رفع نموده است. (تره کی، 1382: صص 41-44).

اما مشکل تطبیق این قانون اساسی ناشی از آن بود که از یک طرف حزب بر سر اقتدار یا هم پیمانان آن همه مقامات دولتی را در دست داشتند و از جانب دیگر موجودیت اشخاص بدنام در حزب و نهاد های امنیت ملی که سبب قتل و کشتار و در بند کشیدن و مهاجرت هزاران هموطن گردیده بود، باز هم قدرت

را در دست داشتند. علاوه بر آن عناصر ضد دولتی مناطق اطراف کشور را در تصرف داشتند که دولت قدرت حاکمیت در آن مناطق را نداشت. از این رو در عمل تطبیق شده نتوانست.

اصول اساسی جدید افغانستان

این اصول اساسی در زمان حکومت استاد برهان الدین ربانی از طرف کمیسیون مؤلف مورد بحث و مذاقه قرار داده شده، اما نسبت ادامه جنگ و نا آرامی و مخالفت های تنظیمی و گروهی، تصویب و توشیح نگردید.

صرف بخاطر مزید معلومات باید متذکر شد که مسوده این اصول اساسی در 10 فصل و 114 ماده ترتیب گردیده بود.

زمان قبل از انفاذ قانون اساسی سال 1382

بعد از سقوط رژیم داکتر نجیب الله و پیروزی مخالفین دولت، قانون اساسی سال 1366-1369 ساحة تطبیق خود را از دست داد، ولی قانون جدیدی جایگزین آن نشد.

نظام سیاسی کشور تغییر خورد، تشکیل جدید متفاوت از آنچه در قانون اساسی ذکر شده بود، بوجود آمد. بی نظمی ها و تخطی ها از اصول و قواعد، تشکیل حکومت مؤقت برای سه ماه و شش ماه، نتوانست ثبات سیاسی کشور را تأمین نموده، نظم و قانونیت را بر جامعه حاکم سازد.

به اثر ادامه جنگ های داخلی و مداخلات کشور های همسایه ساحة حاکمیت دولت مجاهدین محدود گردیده و اکثریت مناطق کشور تحت تصرف طالبان قرار گرفت. با حاکمیت غیر مشروع طالبان در مرکز و نواحی کشور دیگر از قانون اساسی و قانونیت حرفی وجود نداشت، تا آن که حوادث 9-11 سپتامبر به وقوع پیوست و در نتیجه جامعه جهانی متوجه اشتباهات خود در افغانستان می گردد. نیرو های مقاومت به کمک ائتلاف بین المللی موفق به سقوط طالبان و آزاد ساختن بار دیگر کشور از سلطه بیگانگان می شوند.

به خاطر تنظیم امور، اشتراک همه اقشار در اداره دولت و تأمین صلح و ثبات و آرامش در کشور، جلسه بن تشکیل گردید. درین جلسه که تحت نظر نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد صورت گرفت، موفق به امضای موافقت نامه یی می شوند که بنام « موافقت نامه بن » مسمی گردید. در این موافقت نامه از تشکیل اداره مؤقت، اداره انتقالی، تشکیل لویه جرگه اضطراری، لویه جرگه قانون اساسی، ایجاد کمیسیونهای مربوط، انتخاب رئیس اداره مؤقت و رئیس اداره انتقالی و در نهایت تصویب قانون اساسی و انتخاب رئیس جمهور و شورای ملی در کشور تذکر به عمل آمده بود که مرحله به مرحله باید مورد تطبیق قرار داده می شد. (موافقت نامه بن، سال 1381).

به این منظور طی فرمان مورخ 12 / 8 / 1381 کمیسیون تسوید به ترکیب 9 نفر تعیین گردید تا طرح قانون اساسی را ترتیب نماید. در ختم کار این کمیسیون به تاریخ 6 / 2 / 1382 کمیسیون تدقیق طی نامه شماره 6 دولت انتقالی افغانستان کمیسیون دقیق به عضویت 35 نفر با یک دارالانشأ تعیین گردید و وظایف و طرز کار کمیسیون ها طی ضمایم جداگانه مشخص گردید. (اسناد دارالانشأ کمیسیون قانون اساسی).

طرح قانون اساسی سال 1382 و مداخلات دولت در طرح مرتبه

قابل ذکر می داند که قانون اساسی افغانستان بعد از غور و بحث مزید از طرف کمیسیون های تسوید و تدقیق، که در آن از نظریات کار شناسان عرصه های مختلف نیز استفاده صورت گرفته بود، در حالی که نظریات قسمی مردم نیز در آن گنجانیده شده بود؛ تکمیل و طور رسمی توسط نامه یی به دولت سپرده شد. با کمال تأسف که دولت در برخی از فصول و مواد آن به طور سلیقوی و بدون دقت تغییراتی را وارد کرد که بر ماهیت قانون اساسی تأثیر ناگوار به جا گذاشت. زیرا نه به طرح ارایه شده از طریق کمیسیون مربوط توجه صورت گرفت و نه هم به نظریات کارشناسان داخلی و خارجی (Yash Pal Ghai and -

Barnett R Rubin – چهارم آگست سال 2003 نظریات ارائه شده به کمیسیون تدقیق قانون اساسی که در دارالانشای کمیسیون ثبت است.

Said Amir Arjomand and Kim Lane Scheppele - نظریات ارائه شده به کمیسیون تدقیق قانون اساسی که در دارالانشای کمیسیون ثبت است.

Option Paper on a Constitutional Court for Afghanistan - نظریاتی که در دارالانشای کمیسیون ثبت است.)

نظریات جمع آوری شده از طرف مردم (اعضای کمیسیون وظیفه داشتند تا طی مدت سه ماه به داخل کشور و هم چنان کشور های همسایه پاکستان و ایران سفر نموده و نظریات مردم را در مورد جمع آوری کنند که این نظریات جمع آوری و به دارالانشای کمیسیون سپرده شد که این اسناد در آرشیف کمیسیون موجود است.

به گونه مثال، فصل مربوط به حکومت که در آن صدراعظم مسؤول پیش بینی شده بود حذف گردید. آن چه می توانست با تقسیم وظایف قوه اجرائیه میان رئیس جمهور و صدراعظم هم از تمرکز بی مورد قوا در یک دست جلوگیری شود و از جانبی هم قوه اجرائیه نزد پارلمان مسؤول و جوابده قرار داده می شد. موضوع مهم دیگری که عبارت از دیوان عالی قانون اساسی بود و در آن مواد متعددی تسجیل گردیده بود که این امر می توانست جلو مداخلات قوا و نهاد ها و به ویژه رئیس جمهور را گرفته و در صورت اختلاف صلاحیت میان نهاد ها، مداخله قانونی نماید. به همین گونه صلاحیت تفسیر قانون و به ویژه قانون اساسی به این نهاد در نظر گرفته شده بود که می توانست از ملعبه قرار گرفتن قضا منحیت ابرار در دست رئیس جمهور جلوگیری نماید. با کمال تأسف که این نهاد نیز مانند فصل مربوط به صدراعظم به کلی حذف گردیده و صلاحیت های آن در سه ماده جداگانه به رئیس جمهور، ستره محکمه و نیز یک فصلی که به نام کمیسیون عالی قانون اساسی بود؛ توزیع گردید.

ایجاد نهاد کمیسیون عالی قانون اساسی که نه وظایف و صلاحیت های آن در قانون اساسی معین گردیده بود و نه هم جایگاه آن مشخص بود. پسان ها اختلافاتی را میان رئیس جمهور، قضا و شورای ملی به وجود آورد.

به همین گونه برای رئیس جمهور در برابر صلاحیت های وی مسؤولیت هایی در قانون اساسی تسجیل گردیده بود که در برابر مردم مسؤول دانسته شده بود و این امر در سه ماده قانون اساسی تدوین گردیده بود. با حذف این مواد، این امر سبب شد تا رئیس جمهور منحیت پادشاه تام الاختیار طوری که می خواست عمل نماید. به همین گونه موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که به جای آن که قانون اساسی منحیت وثیقه ملی تلقی شود و مردم آن را مال خود بدانند، برعکس زمینه افتراق ها را به وجود آورد.

پیشینه طی مراحل قانون اساسی 1382

به خاطر روشن شدن بیشتر ذهن خواننده، به صورت بسیار مختصر ذکر بعضی نکات را ضروری می دانم تا واضح گردد که با سرنوشت طرح قانون اساسی چه گونه بازی هایی صورت گرفت. برخی از کمبود ها و نواقصی که در آن مشاهده می گردد، محصول کار چه کسانی است، و این همه مشکلاتی که بعدها در تطبیق احکام آن بروز نمود، و سبب ایجاد اختلاف نظر میان شورای ملی و حکومت گردید، از کجا منشأ می گیرد؟

اول- جهت ترتیب و تسوید طرح مطابق موافقت نامه بن از طرف دولت کمیسیون های تسوید و تدقیق تعیین گردید. این کمیسیون ها، وظیفه محوله را طبق جدول زمانی معین انجام دادند. کار کمیسیون ها و ترتیب طرح و تدقیق قانون اساسی، ایجاب بحث بیشتری را می نماید. اما آنچه ذکرش ضرور دانسته می شود، این مطلب است که کمیسیون تدقیق طی مدت تدقیق، برویت نظریات دانشمندان و صاحب نظران در عرصه های مختلف، اعم از اشخاص داخلی و خارجی، اخذ آراء، نظریات و خواهشات اقشار مختلف مردم، بعد از انجام مرحله نظرخواهی عامه، با در نظر داشت ایجابات و مقتضیات زمان و در نهایت ضرورت ها

و نیازمندی های کشور، با ایجاد اصلاحات و تغییرات در طرح های اولی، طرح های متعددی را یکی بعد دیگر بوجود آورد. هدف اصلی آن بود تا طرح نهایی هر چه بیشتر غنی تر و دقیق تر ساخته شود. در نهایت زمانی که طرح به دولت سپرده می شد؛ جلسات متعدد تحت نظر رئیس دولت و عده یی از اعضای حکومت به شمول اعضای شورای امنیت ملی، موضوعاتی مورد بحث قرار داده شد. یکی از این موضوعات حکومت صدارتی بود. کمیسیون از طرح مرتبه دفاع نمود، اما شخص رئیس دولت با ارایه دلایلی مبنی بر جلوگیری از ایجاد اختلاف میان رئیس جمهور و صدراعظم و ایجاد بی نظمی در آینده، سعی داشت تا اعضای کمیسیون را متقاعد سازد که سیستم صدارتی از طرح حذف گردد. در حالی که اعضای کمیسیون به این امر پافشاری داشتند. در جلسات بعدی از جانب ریاست دولت، چنین استدلال صورت گرفت که گویا وظیفه کمیسیون تدقیق، بعد از ترتیب، تدقیق و ارایه طرح؛ انجام یافت، باقی کار ها مربوط حکومت است.

زیرا در موافقت نامه بن، کمیسیون تدقیق، یک کمیسیون مستقل نبوده، بلکه از طرف دولت انتقالی به انجام این مأمول مؤظف ساخته شده بود، مقامات دولت خود در زمینه صلاحیت اتخاذ تصمیم را دارند. بنا براین امر، احکام مربوط به فصول صدراعظم یا حکومت صدارتی و بعدها محکمه عالی قانون اساسی از طرح به کای حذف گردید یا این که صلاحیت های آن به مراجع دیگری تفویض گردید و در نهایت، مقام حکومت طوری که می خواست نظریات خود را در طرح وارد و مطابق آن ریاست و دارالانشأ کمیسیون اجراءات نمودند.

دوم- زمانی که طرح به خاطر نظر خواهی عامه ارایه و نظریات و پیشنهادهای مردم جمع آوری شد. توحید این نظریات که از طرف دارالانشأ کمیسیون صورت گرفت با نظریات ارایه شده از طرف مردم تفاوت داشت. چنان که این موضوع از طرف عده یی از اعضای کمیسیون مورد انتقاد قرار گرفت. تجویز اتخاذ شد تا از طرف کمیسیون تدقیق، نگارنده با محترم پروفیسور دکتر محمد طاهر هاشمی، نظریات توحید شده را با ارقام و پیشنهاد های جمع آوری شده طور مقایسوی ملاحظه و آنرا دقیق سازیم. ما به این کار آغاز نمودیم و طی دو روز، اشتباهات عدیده یی را یادداشت و به رئیس کمیسیون و دارالانشأ کمیسیون ارایه نمودیم. از طرف ریاست و دارالانشأ تجویز اتخاذ شد، چون اشتباهات زیاد است، ایجاب تجدید نظر عمومی را می نماید، موضوع به مؤظفین دارالانشأ سپرده می شود تا آن را اصلاح نمایند. زیرا این کار از جمله وظایف دارالانشأ می باشد. با تأسف، طوری که بعدها ملاحظه شد هیچ گونه اصلاحاتی درمورد صورت نگرفت و همان گونه که از طرف دولت به دارالانشأ هدایت داده شده بود مطابق فرمایش مقامات؛ عمل نمودند.

سوم- بعد از انجام مرحله نظر خواهی، کمیسیون از طرف مقام ریاست دولت دعوت شد تا گزارش خود را ارایه بدارند. من که با محترمه فاطمه جان گیلانی مسؤولیت نظر خواهی زون مرکزی (ولایات کابل، پروان، کاپیسا، پنجشیر، میدان وردک و لوگر) را داشتیم، حین ارایه گزارش، من توضیح کردم که اکثریت مردم این مناطق، خواستار نظام پارلمانی و صدارتی می باشند. با استماع این موضوع جناب کرزی صاحب با استفهام بیشتر پرسیدند که چطور؟ من به تأکید سخنان خود پرداختم، بعد موضوع را از فاطمه جان گیلانی پرسیدند. اوشان نیز عین سخنان مرا تأیید و این جمله را ادا نمودند که: آنچه معین صاحب فرمودند کاملن درست و دقیق است.

با این همه از طرح مرتبه سیستم صدارتی و صدراعظم حذف گردید.

چهارم- یک سلسله تعدیلات در طرح ارایه شده، از طرف لویه جرگه قانون اساسی به عمل آمد که در طرح تأثیرات مثبت یا منفی را به جا گذاشت.

تحریفات وارده پس از تصویب قانون اساسی سال 1382

بعد از اعلان تصویب طرح از طرف رئیس لویه جرگه قانون اساسی و امضاء و توزیع آن به شاملین لویه جرگه، در بیش از چهل و هشت مورد تعدیلات، تزییدات و اصلاحاتی صورت گرفت که خلاصه آن چنین است:

تعدیلات و تصحیحاتی که بعد از متن مصوب لویه جرگه در متن توشیح شده وارد گردیده است شامل موارد (1) خطبه (2) فقره سوم مقدمه (3) فقره اخیر مقدمه مواد 4، 8، 9، 13، 14، 16، 17، 27، 31، 32، 34، 38، 40، 44، 45، 47، 50، 53، 58، 62، 64، 68، 72، 75، 78، 83، 85، 86، 87، 90، 124، 125، 138، 139، 140، 143، 148، 152، 155، 157، 158، 159، 160، 161، 162 می باشد.

منجمله تغییرات عمده قرار ذیل است:

- 1- در ماده شانزدهم در اخیر ماده مذکور متن ذیل ایزاد شده است:
« مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می گردد. »
 - 2- (در ماده پنجاهم متن اصلی « دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور بعد از تصویب شورای ملی تدابیر لازم اتخاذ نماید. »
متن تغییر: « دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. »
 - 3- در ماده شصت و چهارم- متن اصلی « تعیین وزراء ... به تصویب ولسی جرگه . »
متن تغییر «تغییر وزراء ... به تایید ولسی جرگه ...»
 - 4- در ماده هشتاد و سوم متن اصلی «... و به تنا سب نفوس از هر ولایت حداقل دو وکیل زن....»
متن تغییر « ... و به تنا سب نفوس از هر ولایت طور اوسط حد اقل دو وکیل زن...»
 - 5- در ماده یکصد و پنجاه و هفتم متن اصلی « ... از طرف رئیس جمهور تعیین می گردند. »
متن تغییر « ... از طرف رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می گردند. »
- سند مربوط به رایۀ طرح اصلی به دولت**

در نهایت پس از بحث های متعدد طرح مرتبه کمیسیون طی نامه رسمی به دولت سپرده شد که تفاوت های عمده آن را با طرح رایه شده از طرف دولت به لویه جرگه می توان مشاهده نمود.
متن نامه کمیسیون مبنی بر سپردن طرح نهایی پس از آخرین اصلاحات در تفاهم با مقامات دولت قرار زیر است:

دولت انتقالی اسلامی افغانستان

کمیسیون تدقیق قانون اساسی

دارالانشاء

تاریخ 1382/6/26

جلالتماب محترم رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان!
السلام علیکم و رحمته الله و برکاته !

به تاسی از موافقتنامه بن مورخ 1380 /9/14 و مصوبات لویه جرگه اضطراری جوزای 1381 با فرمان مورخه 1382/2/4 جلالتماب شما کمیسیون تدقیق قانون اساسی به تاریخ 1382/2/6 افتتاح و به تاریخ 1382/2/11 بطور رسمی کار تدقیق مسوده قانون اساسی را آغاز نمود.
کمیسیون تدقیق با ترکیبی از شخصیت های علمی، حقوقی، مسلکی و ملی وظیفه داشت تا مسوده مرتبه را که قبلاً به وسیله کمیسیون تسویدقانون اساسی در طی هشت ماه کار، از میزان 1381 تا ثور 1382 تهیه شده بود، مورد غور و مذاقه همه جانبه قرار دهد.

اعضای کمیسیون تدقیق در پیشبرد این مأمول به استعانت خداوند متعال و اتکا به اراده مردم و با توجه به آرمان های ملی و رعایت نظریات و پیشنهادات دولت انتقالی اسلامی افغانستان مبنی بر ایجاد یک میکانیزم حقوقی و سیاسی ملی و دموکراتیک بانظرداشت اساسات دین مقدس اسلام، همه توانائی های علمی، حقوقی و مسلکی خود را بخاطر تهیه یک وثیقه ملی و یک متن مناسب و مطابق به شرایط جامعه افغانستان بکار گرفتند.

اعضای کمیسیون افتخار دارند که این مشارکت ملی را صادقانه در راستای خواسته های ملی و مصالح کشور به پیش بردند. معهداً برای تحقق بخشیدن به مشارکت مردم در این امر ملی پروسه نظرخواهی عامه در ماه های سرطان و اسد 1382 براه انداخته شد. نظرخواهی عامه و ارج گذاری به آمال مردم یک حرکت بی سابقه ملی و تاریخی است که تاریخ کشور آنرا با خطوط زرین ثبت خواهد نمود. مشارکت مردم در امر تکمیل مسوده قانون اساسی از طریق و مجاری مختلف عملی گردید. کمیسیون دقیق ضمن پیشبرد امور محوله، با شهریان، علما، روحانیون، دانشمندان، اهل معارف و پوهنتون و سایر صاحب نظران دیدارها و گفتگوهایی داشت که ثمره آن غنا مندی بیشتر مسوده قانون اساسی در راستای منافع و مصالح ملی است.

موازی با این روش دموکراتیک کمیسیون تدقیق نشست هایی با اعضای بلند پایه دولت انتقالی اسلامی افغانستان و متخصصین قانون اساسی داشته و در نهایت جلسات مشترکی با اعضای شورای امنیت ملی کشور انجام داد که در نتیجه، پیشنهادات و نظریاتی برای کمیسیون ارایه گردید و با استفاده از آن، تعدیلاتی در بعضی از مواد مسوده وارد گردیده و در قالب عبارات حقوقی منعکس شده است.

اما لازم می دانیم یک موضوع را در این ارتباط یاد آور شویم و آن این که در مورد ساختار حکومت از آغاز کار کمیسیون تسوید تا این لحظه چهار طرح پیشنهاد و مورد بحث قرار گرفته است.

1. صدراعظم از طرف رئیس جمهور به منظور اخذ رأی اعتماد به شورا معرفی می گردد. در صورتی که شورا دو بار آنرا رد نماید، رئیس جمهور بار سوم می تواند شورا را منحل نماید.

2. صدراعظم از طرف رئیس جمهور به منظور اخذ رأی اعتماد به شورا معرفی می گردد و اگر شورا موافق نباشد، در ظرف سه روز، صدراعظم مورد نظر خود را به رئیس جمهور معرفی می نماید و در غیر آن شخصی که از طرف رئیس جمهور مؤظف گردیده، به این مقام مقرر می گردد.

3. صدراعظم از طرف رئیس جمهور بمنظور اخذ رأی اعتماد به شورا معرفی می گردد و اگر او رأی اعتماد ندهد، رئیس جمهور شخص دیگری را بدون اخذ رأی اعتماد به این مقام مقرر می نماید.

4- صدراعظم از طرف رئیس جمهور (بدون اخذ رأی) تعیین می گردد و سایر اعضای حکومت با پیشنهاد صدر اعظم از طرف رئیس جمهور منظور می شود.

آخرین فیصله کمیسیون طرح شماره 3 بود ولی طرح شماره 4 با توجه به پیشنهادات و نظریات دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مسوده گنجانیده شده و مواد مربوطه دیگر در فصول (رئیس جمهور و حکومت و شورای ملی) نیز مطابق با این طرح (شماره 4) تنظیم گردیده است.

به هر حال افتخار داریم که کمیسیون رسالت تاریخی، اسلامی، ملی و علمی خود را با کمال امانت و صداقت به پایان رسانید و اکنون متن مسوده این وثیقه ملی را شامل بر یک مقدمه و 12 فصل و 172 ماده در 43 صفحه به محضر جلالتماب شما تقدیم می کند اما در پایان اجازه می خواهیم دو نکته را درین رابطه مورد تأکید قرار دهیم.

1. ترتیبی اتخاذ شود که هرچه زودتر این مسوده به نشر سپرده شود. زیرا مردم انتظار دارند که هرچه عاجل تر مسوده قانون اساسی آینده خود را مطالعه نمایند و از نزدیک در باره متن آن اظهار نظر کنند و از نظریات آنها مجدداً استفاده بعمل آید.

2. آنچه به عنوان متن مسوده تقدیم می گردد، مسوده ابتدائی است نه نهائی زیرا هنوز هم ارایه نظریات و پیشنهادات جدید ادامه دارد. مخصوصاً بعد از نشر آن ممکن است اقتضای مختلف مردم در موارد متعدد

نظریات جدیدی را ارایه نمایند. بنابر این مسوده نهائی، آخرین نسخه بی خواهد بود که بعد از استفاده از آخرین پیشنهادها در آستانه تدویر لویه جرگه، توسط کمیسیون تهیه و تقدیم می گردد.

در پایان ضمن اظهار سپاس و امتنان از جلالتمآب شما که به این کمیسیون اعتماد نموده، انجام این امر مهم ملی را به آن تفویض نمودید، اعضای کمیسیون باین باور اند که بدون همکاری های ممتد و مثمر مقامات دولتی، نمایندۀ خاص سرمنشی ملل متحد جلالتمآب اخضر براهیمی و زحمات شبانه روزی مسؤولین دارالانشأ کمیسیون قانون اساسی این مأمول بر آورده شده نمی توانست. با عرض شکران و امتنان از همه از بارگاه ایزد متعال استدعا داریم که با تصویب این قانون اساسی توسط لویه جرگه، ثبات سیاسی و امنیت پایدار و نظام مبتنی بر اساسات اسلام و فرهنگ و ارزشهای ملی و متکی بر اراده مردم پدید آید و ملت ما در سایه آن به آسایش، آرامش و بهروزی نایل گردد.

با احترام

پو هاند نعمت الله شهرانی

معاون ریاست دولت انتقالی اسلامی

و رئیس کمیسیون تدقیق قانون اساسی افغانستان

اجراءات بعد از تسلیمی طرح نهایی به دولت

بعد از تسلیمی طرح به مقام دولت، کار کمیسیون خاتمه یافته تلقی گردید. تعدیلات و تغییراتی که بعدها آورده شد، بنابر سفارش مقام دولت از طرف یک کمیته خاص کمیسیون که از جانب رئیس کمیسیون به موافقت رئیس دولت تعیین شده بود، و شامل چهار عضو کمیسیون می شد؛ صورت گرفت. به خاطر تصویب طرح، لویه جرگه دعوت گردید که ترکیب اعضا و طرز العمل آن از طرف دولت آماده و تنظیم شده بود. این لویه جرگه که بایست بتاريخ 21 سنبله دایر می شد با تأخیر دو روز، بتاريخ 23 سنبله دایر گردید و به اثر جر و بحث های طولانی وصف بندی ها الی 3 عقرب ادامه یافت و در نهایت قانون اساسی، با آوردن یک سلسله تعدیلات تصویب شده، تلقی گردید. ذکر حوادث و رویداد های کاری کمیته های تسوید، تدقیق و مراحل بعدی آن و لویه جرگه قانون اساسی ایجاب بحث مستقلی را می نماید که چه گونه جریان جلسات و مباحث ادامه یافت، دلایل اختلافات چی بود و چه تغییرات مثبت یا منفی در طرح وارد شد. جهت معلومات مزید، طرح مرتبه کمیسیون که در ختم کار تدقیق و بعد از انجام مرحله نظرخواهی ترتیب و ارایه گردیده بود، نقل آن در اخیر منیحت ضمیمه این نوشته ذکر گردیده است.

لویه جرگه و نقش آن در قانون اساسی

لویه جرگه در کشور ما دارای پیشینه زیادی است که در هر زمان به خاطر اتخاذ تصمیم در مورد امور بزرگ دولت برگزار می شد. نخستین لویه جرگه در سال 1087 در شهر کندهار و به تعقیب آن لویه جرگه های دیگر طی سالیان 1126، 1244، 1293، 1301، 1303، 1307، 1309، 1320، 1334، 1363، 1355، 1364، 1366، 1368، 1369 و بعد لویه جرگه اضطراری به اساس موافقت نامه بن در سال 1381 و نیز لویه جرگه قانون اساسی در سال 1382 دایر گردید که در این لویه جرگه قانون اساسی تصویب شد. قابل ذکر است که تمام لویه جرگه های قبلی به شکل عنعنوی دایر گردیده و در آن اشخاصی به اساس فرمایش دولت وقت دعوت و روی موضوعات مورد بحث به نفع حکمرایان وقت تصمیم اتخاذ نموده اند. به این معنا که هیچ یک از این جرگه ها به اساس انتخابات به وجود نیامده بود. (انصاری، 1384: 32. و نگارنده، 1388).

برای بار نخست ترکیب لویه جرگه در قانون اساسی سال 1382 به شکل انتخابی پیش بینی گردیده است. (فصل لویه جرگه قانون اساسی سال 1382).

ترکیب لویه جرگه قانون اساسی سال 1382

به اساس فرمان مؤرخ 1382/4/14 رئیس دولت، لویه جرگه قانون اساسی مرکب از (500) عضو بود که قرار ذیل انتخاب یا انتصاب می گردید:

- 1- به تعداد 344 نماینده به انتخاب مردم از ولسوالی ها؛
- 2- 24 کرسی برای مهاجرین افغانستان در پاکستان و ایران؛
- 3- 64 کرسی برای زنان طوری که از هر ولایت دو زن انتخاب می گردید؛
- 4- 9 کرسی برای کوچی ها؛
- 5- 6 کرسی برای بیجا شدگان داخلی؛
- 6- 3 کرسی برای اقلیت های هندو و سک؛
- 7- 50 نفر اعضای انتصابی شامل دانشمندان حقوق، متخصصین قانون اساسی و اهل خبره که توسط رئیس جمهور تعیین می گردید و از جمله 25 نفر آنان را زنان تشکیل می داد.

ناظرین شرکت کننده قرار ذیل بود:

- 1- قاضی القضاات 1 نفر؛
- 2- اعضای کابینه 33 نفر؛
- 3- اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی 35 نفر؛
- 4- رؤسای کمیسیون عدلی و قضائی و حقوق بشر 2 نفر، شرایط کاندیدان لویه جرگه اشخاص واجد شرایط ذیل حق کاندیدشدن را به صفت عضو انتخابی لویه جرگه دارا بودند:
- 1- داشتن تابعیت افغانستان؛
- 2- داشتن سواد کافی؛
- 3- دارا بودن سیرت و سلوک عالی، ظرفیت و اهلیت کاری؛
- 4- متعهد بودن به وحدت و منافع علیای افغانستان؛
- 5- عدم محکومیت به جنایت و ارتکاب جرم؛
- 6- اكمال سن 18؛

7- داشتن شرایط مندرج فرمان مقام ریاست جمهوری؛

اشخاصی که حق کاندیدشدن در لویه جرگه را نداشتند:

- 1- کارمندان عالی رتبه دولتی شامل والی ها، معاونین والی ها، ولسوال ها، شاروال ها، منسوبین پولیس، اردو و ریاست امنیت ملی و لوآن که شرایط لازم کاندید شدن را دارا بودند، حق شرکت در لویه جرگه را نداشتند.

2- اعضای دارالانشأ کمیسیون تدقیق قانون اساسی حق شرکت در لویه جرگه را منحیث اعضاء نداشتند و نمی توانستند بعد از تاریخ 18 اگست 2003 خود را به این سمت کاندید نمایند.

قابل ذکر می داند که باوجود این که اعضای لویه جرگه به شکل انتخابی ذکر شده بود، اما این انتخابات به اساس رأی گیری از طرف مردم و گذاشتن صندوق رأی و رعایت اساسات انتخاباتی صورت نگرفته، بلکه جمعی از مردم محل دعوت شده و نمایندگان را برای شرکت در لویه جرگه انتخاب نموده بودند.

جریان برگزاری لویه جرگه قانون اساسی

لویه جرگه قانون اساسی ساعت ده قبل از ظهر تاریخ 23 قوس طور رسمی آغاز به کار و محمد ظاهر، پادشاه سابق افغانستان با بیانیه خویش آن را افتتاح نمود. شاه سابق بعد از ایراد بیانیه، پیرسید احمد گیلانی رابه صفت رئیس مؤقت جلسه معرفی نمود. (این شخص قبلاً از طرف مقام دولت به این وظیفه گماشته شده بود. در جلسه بعدی روز اول طرز العمل انتخاب رئیس لویه جرگه که از طرف دولت ترتیب شده بود توسط فاروق وردک رئیس دارالانشأ کمیسیون قانون اساسی قرائت گردید. بعد از جرو بحث محترم صبغت الله مجددی به صفت رئیس جلسه انتخاب و جلسات لویه جرگه را تا اخیر رهبری و هدایت نمود. متعاقب

آن ده کمیته تعیین شد که هر کمیته مرکب از پنجاه عضو لویه جرگه بود. کمیته ها دارای یک رئیس انتخابی، دو تا سه نفر مشاور حقوقی (اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی) بود.

زمانی که کمیته ها کار خود را تکمیل نمودند، نظریات آنها در عقب دروازه های بسته توسط رؤسای کمیسیون و یک عده دیگر که بنام کمیسیون تفاهم یاد می گردید، مورد بررسی قرار داده شد و طرح نهائی کمیسیون تفاهم، دوباره به جلسه عمومی آورده شد. صرف موضوعاتی که اختلافی بود، بالای آن بحث صورت گرفت، ولی با آن هم اختلاف نظرهای عمده پی وجود داشت که هنوز حل نشده بود، چنان که محمد آصف محسنی که خود رئیس کمیته پنجم و عضو گروپ تفاهم بود در سخنرانی خود چنین بیان نمود: «من رئیس کمیته پنجم این کمیته ها بودم و عضو کمیته تفاهم هم نیز بودم، از طرف بعضی ها مجبور شدم که بخاطر از بین بردن سوء تفاهم این نکات را یاد آوری کنم.» مطلب ما از نشرپول، چاپ آنست که بایست از نظر ولسی جرگه بگذرد و آن در این مسوده نیست باید اضافه شود. دربند اول ماده 64 دیوان عالی قانون اساسی به اکثریت آراء قبول گردید که اکنون در مسوده نیست. ماده 72 که تابعیت دو گانه تا اخیر دوره اول ضرر ندارد و در دور دوم بایست تابعیت دو گانه نداشته باشد، این ماده قبول نشده و رأی اکثریت را بدست نیاورده، اما اکنون در مسوده موجود است.

بازار آزاد به اکثریت قبول نشده. در ماده 117 اختلاف است اعضای شورای عالی قضا که اکنون ذکر شده فکر می کنم که اکثریت آنرا قبول نکرده است.» (محمد نبی تدبیر، 1382:21)

در قسمت دیگر حشمت غنی احمدی زی چنین گفت: «در کمیته تفاهم بسیار بی نظمی بود، مهمانها نیز می آمدند و در آن حصه می گرفتند. حضرت صاحب نیز اجازه می دادند. در اینجا موضوع اکثریت و اقلیت درست نیست زیرا در بی نظمی اکثریت و اقلیت تشخیص شده نمی تواند.

سیاف صاحب نیز حرف های خود را میزد. محسنی صاحب و دیگران هم که مسوده را چیز دیگری ساخته، حرف خوب این است که بر همان مسوده اول از سر رأی گیری صورت گیرد.» (محمد نبی تدبیر، 1382:21)

متذکر باید شد که در همین ایام تقریباً همه روزه برای وکلای شرکت کننده در لویه جرگه و سایر شاملین، مهمانی های مجلی ترتیب و از عقب بلندگو، آنها به محلات مشخص دعوت می شدند.

درضمن رئیس دارالانشای قانون اساسی اعلام می نمود که ما دیگر توان پرداخت این قدر مصارف سنگین را نداریم شما بایست به عوض مهمانی ها کار کنید.»

نتیجه چنان شد که تعداد زیادی از وکلا به عنوان اعتراض بالای طرح های ارایه شده اعتصاب نموده، تحصن اختیار و نه تنها که رأی گیری را تحریم کردند، بلکه دست به اعتصاب غذایی هم زدند. در نهایت با کارهایی که در عقب خیمه اصلی مقر لویه جرگه و در خیمه های کوچک با اشتراک بعضی ها و دخالت های بی شماری صورت گرفت، بعد از سپری شدن 22 روز، رئیس لویه جرگه به گونه پی، تصویب قانون اساسی را اعلام نمود. بدون آن که بالای مواد اختلافی بحث صورت گرفته و توافق اعضای مجلس خواسته شود یا این که طرح ماده وار یا فصل وار مورد رأی گیری و نظرخواهی قرار داده شود. یا حد اقل بالای همه مواد مندرج طرح به صورت کل رأی گیری صورت گرفته باشد، صرف با اعلام تصویب آن از طرف رئیس لویه جرگه و باکف زدن های عده پی از شاملین لویه جرگه، امر مختومه پنداشته شد.

نقش کمیسیون تدقیق قانون اساسی در لویه جرگه

بعد از آن که لویه جرگه قانون اساسی افتتاح و طور رسمی به کار آغاز می نماید. اعضای کمیسیون مانند تماشاگران صحنه، در یک کنار لوژ قرار می گیرند. برعکس نقش دارالانشا یا رئیس آن از همان آغاز کار رسمی یا در جلسه دوم روز اول لویه جرگه برجسته می گردد. تنها کاری را که اعضای کمیسیون انجام دادند، همکاری و انجام مشورت های لازم و توضیح مواد متن طرح قانون اساسی به اعضای گروپ های ده گانه و ارایه پاسخ به پرسش های آنها بود.

بعد از آن که این پروسه خاتمه می یابد، اعضای کمیسیون در سایر امور دخالتی نداشته و به حاشیه کشانیده شدند و حتا در مواقع لازم و ضروری به آنها اجازه داده نشد تا به پاسخ سوالات بپردازند یا نظریات خود را در رابطه ابراز نمایند. آنچه اصلاحات و تعدیلات که در متن از طرف کمیته ها بعمل آمد و در کمیته یی بنام تفاهم مورد بحث قرار داده شد، در ساختن طرح نهائی آن، عده معدودی از اعضای کمیسیون تسوید شرکت داشتند و بس که بعدها هر کدام مناصب و مقامات بلندی را در دولت نصیب شدند.

صلاحیت و مسئولیت لویه جرگه در تصویب قانون اساسی

لویه جرگه مرجع قانونی و ذیصلاح تصویب قانون اساسی بوده و نقش آن در این رابطه خیلی مهم و غیر قابل انکار است. زیرا لویه جرگه صلاحیت داشت تا تمام طرح مرتبه را رد نماید یا در هر فصل و ماده آن تعدیل، تغییر، حذف و ایزادی بعمل آورد یا این که به صورت کل آن را مورد تائید قرار دهد. هرگاه جریان امور به شکل بهتر ادامه پیدا می کرد و نمایندگان شرکت کننده مسؤولانه و بخاطر تأمین منافع علیای وطن می اندیشیدند، مصالح و منافع ملی را بر منافع شخصی، قومی، سمتی، زبانی، منطوقی و غیره ترجیح می دادند، بداشتن آزادی و استقلال رأی و این که از طرف ملت بخاطر کار بزرگی که تعیین سرنوشت شان بود، انتخاب شده بودند، کار بهتر و قویتری را انجام داده می توانستند. آنها توان و قدرت لازم بدست داشتند تا طرح را غنی تر، عملی و موافق شرایط و ایجابات کشور و منافع مردم، ترتیب و تصویب نمایند. اما با تأسف که جریان لویه جرگه به شکل دیگری به پیش رفت و به اثر مداخله و اعمال نفوذ، بعضی ها نگذاشتند جریان لویه جرگه به شکل عادی و درست آن ادامه یابد. موضوعات زبانی، قومی، سمتی، حفظ قدرت و منصب دولتی و تفوق طلبی های نژادی مانع از آن شد تا اعضای کمیسیون مشکل جامعه را در نظر بگیرند، منافع و مصالح علیای مردم و کشور را بر منافع قومی و زبانی ترجیح بدهند، در رابطه به تعیین سرنوشت مردمی که سالیان متمادی متحمل رنج، درد و مصیبت فراوان شده اند، بیندیشند و در فکر رفتن به طرف هویت ملی باشند.

برخی از اصلاحات وارده بر مسوده از جانب لویه جرگه

مسوده قانون اساسی که بعد از آوردن اصلاحات، تعدیل، حذف و ایزاد به تصویب رسید، بعضی از این اصلاحات مفید و دقیق بود، اما برخی اصلاحات نه تنها مشکل کشا واقع نشد، بلکه گاهی دیگر بر مشکلات موجود افزود. طوری که در برخی موارد حکم قانون را به یک حکم اخلاقی مبدل ساخت، یا این که متن ماده قانون بیشتر از آن که به قانون شباهت داشته باشد، شکل مخالفت را بخود اختیار نمود. اصلاحاتی که به کار برده شده است، متفاوت است. به عوض اصلاح و تعدیل موارد لازم و ضروری و اصلی به مطالب فرعی پرداخته شد. جنبه های عملی و تطبیقی به نحو درست و دقیق مدنظر قرار نگرفت که به گونه مثال چند مورد آن قرار ذیل ذکر می گردد:

1- در ماده هفتاد و دوم تعدیل وارد شده به متن ذیل است:

شخصی که به حیث وزیر تعیین می شود واجد شرایط ذیل می باشد:

« 1- تنها حامل تابعیت افغانستان باشد.

هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد، ولسی جرگه صلاحیت تائید و یا رد آن را دارد».

طوری که ملاحظه می گردد، جزء 1 ماده مذکور متن حقوقی نیست. زیرا حکم قسمت دوم آن مغایر حکم قسمت اول می باشد.

شکی نیست که طبق حکم ماده هفتاد و دوم قانون اساسی، صلاحیت واجد شرایط بودن وزیر طبق احکام قانون تثبیت و تعیین گردیده است و مطابق جزء 1 آن، شخصی به صفت وزیر تعیین شده می تواند که حامل تابعیت افغانستان باشد. به عبارت دیگر تنها تابعیت افغانستان را داشته باشد.

به اساس حکم قسمت دوم این جزء هرگاه شخصی که به صفت وزیر تعیین می شود تابعیت دوگانه داشته باشد، باز هم صلاحیت قبول یا رد آن را ولسی جرگه دارا می باشد. این امر در واقع مغایرت صریح با قسمت اول جزء مذکور دارد. این حکم استثنائی بر اصل نی، بلکه عملی است مغایر روش تکنیک قانون گذاری.

2- در جزء دوم ماده هفتاد و دوم، از تحصیلات عالی، ذکر بعمل آمده، در حالی که در تعدیل وارده بر ماده چهل و سوم قانون اساسی، تعلیم به شکل عام آن به کار گرفته شده، پس معلوم شده نمی تواند که در این جا مراد از تحصیلات عالی، داشتن کدام سند یا مدرک علمی می باشد. در حالی که در عمل فارغین صنوف

الی چهاردهم بنام تعلیم یاد شده. بالاتر از آن یا فراغت از پوهنتون و موسسات تحصیلات عالی که شخص حایز درجه لیسانس باشد، بنام تحصیلات عالی یاد می گردد.

3- ماده یکصد و پنجاه و هفتم درلویه جرگه به متن ذیل ایزاد گردیده است:

« کمیسیون مستقل نظارت برتطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

اعضای این کمیسیون از طرف رئیس جمهور تعیین می گردند. »

با آن که ایجاد شوری یا محکمه یا کمیسیون به خاطر نظارت از تطبیق درست احکام قانون اساسی، امر مؤجه و ضرور دانسته می شود. چنانچه به همین مناسبت حتا در آخرین طرح کمیسیون نیز موضوع ایجاد دیوان عالی قانون اساسی خارج از تشکیل ستره محکمه یا قوه قضائیه پیشنهاد و در آن وظایف و صلاحیت های کمیسیون درج گردیده بود، ولی این طرح کمیسیون از طرف مقام دولت، مورد قبول واقع نگردیده، رد شد و فیصله مذکور حذف گردید، اما قسمتی از صلاحیت های مندرج در این فصل به ستره محکمه تفویض شده و آن هم به شکل ناقص.

کمیسیون مستقل نظارت برتطبیق قانون اساسی که در ماده قانون به شکل مجرد ذکر شده، توضیح و تفصیلی در رابطه به صلاحیت ها و وظایف این کمیسیون وجود ندارد.

هرگاه بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق ها با قانون اساسی از صلاحیت های ستره محکمه باشد، چنانچه این موضوع در ماده یکصد و بیست و یکم قانون اساسی تسجیل گردیده است، واضح شده نمی تواند که این کمیسیون با اجرای نظارت چه صلاحیتی خواهد داشت و کدام وظیفه مشخص را انجام داد.

در صورتی که ادعایی در مورد بوجود آمدن و یا احکام قانون اساسی از طرف یکی از مراجع یا نهاد های دولت نقض گردد، کمیسیون چه گونه می تواند با انجام نظارت، مانع این عمل گردد و هرگاه کمیسیون در مورد نقش و صلاحیتی نداشته باشد هدف از تشکیل و ایجاد آن چه خواهد بود.

5- در ماده یکصد و شصتم، پراگرافی به متن ذیل ایزاد گردیده است:

« کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور و شورای ملی با هم در یک وقت صورت بگیرد. »

متن فوق به هیچ وجه شباهت به یک متن حقوقی ندارد، بلکه بیشتر به یک مقالت و حکم اخلاقی شبیه می باشد. زیرا قانون دارای نیروی الزام، اجبار و موئیده می باشد، در حالی که « کوشش همه جانبه صورت می گیرد » یک وعده و وعید و مانند باید و شاید، احتمال و امکان را می رساند که متن حقوقی عاری از چنین احتمالات و شک و شبهه بوده، حاوی امر و نهی می باشد.

متذکر باید شد که این حکم شامل فصل انتقال و متعلق به یک زمان مشخص می باشد که همانا انتخاب بار اول ریاست جمهوری و شورای ملی می باشد، اما برخی به اشتباه چنین می پندارند که می توان از مفاد این حکم اخلاقی، منحیث یک حکم قانونی در هر زمان استفاده نمود و اگر لازم باشد انتخابات ریاست جمهوری و شورای ملی به زعم و تعبیر آنها هم زمان برگزار شده می تواند تا از تکلیف بودجوی صرفه جوئی صورت گرفته بتواند، اما این تعبیر، یک اشتباه محض و برداشت بی بنیاد است.

قابل ذکر است که این تغییرات به اثر مداخله برخی از مقامات در قانون به عمل آمده است.

طوری که ملاحظه می گردد انتظاری که از لویه جرگه تصویب قانون اساسی در مورد تنظیم بهتر مواد واحکام طرح قانون اساسی، رفع خلاها و نواقص و ابهامات موجود و توضیح صلاحیت های قوای دولت و مراجع مربوط، وجود داشت، جامه عمل نپوشید. آنچه صورت گرفت، تطبیق خواست های مقامات و کار برد سلیقه های شخصی بعضی از اعضا بود و بس.

تحریفات در قانون اساسی بعد از تصویب لویه جرگه

طرح قانون اساسی که در لویه جرگه به تصویب رسید، نسخه اصلی آن از طرف صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه قانون اساسی در هرورق نشانی و امضاً گردیده، بدسترس شاملین گذاشته شد. بعد از آن که

قانون اساسی از طرف رئیس جمهور توشیح و در جریده رسمی چاپ و نشر گردید، به ملاحظه و مقایسه نسخه اصلی نشانی شده از طرف آقای مجددی و متن نشر شده، باز هم یک سلسله تغییرات و اصلاحات املایی، انشائی و متنی در آن وارد گردیده است که به طور نمونه دو سه مورد آن ذکر می شود:

« از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه ای، نورستانی، پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور پشتو و دری زبانهای رسمی دولت می باشند.

زبانهای ترکی (ازبکی و ترکمنی) بلوچی، پشه ای، نورستانی، و پامیری در مناطقی که اکثریت به آن تکلم می نمایند علاوه بر زبان پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشند. راه های عملی تطبیقی آن توسط قانون تنظیم می گردد.

دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرام های مؤثر طرح و تطبیق می کند. نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبانهای رایج کشور آزاد می باشد. «

متنی که در قانون اساسی بعد از توشیح تسجیل گردیده، با متن قبلی تفاوت فاحشی دارد که ذیلاً اصل متن ذکر میشود:

« از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه ای، نورستانی، پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور، پشتو و دری زبانهای رسمی دولت می باشند.

در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه ای، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می نمایند آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد

دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرام های مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می باشد.

مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می گردد. «

طوری که ملاحظه می شود، در اخیر ماده شانزدهم یک پاراگراف بدون آن که به متن اصلی ماده ارتباط داشته باشد به شکل ذیل ایزاد گردیده است:

« مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می گردد. «

مطلب فوق نه تنها با اصل ماده شانزدهم هم خوانی ندارد، بلکه ذکر مجملی است از عبارت نامفهوم زیرا،

1- نخست معلوم نیست که مراد از اصطلاحات علمی و اداری کدام اصطلاحات است.

2- چنین اصطلاحات قراردادی قبول شده، در کشور ما وجود ندارد.

3- تا حال در کشور ما علم و دانش به آن پیمانه انکشاف نیافته است که ما مبتکرو مؤجد اصطلاحات علمی باشیم.

4- اصطلاح ملی، اصطلاحی است که از طرف همه ملت قبول شده باشد.

با تأسف این نوع مجمل گوئی سبب ایجاد بی اعتمادی گردیده و مجال آن را میسر می سازد تا هرکس به میل خود آن را تعبیر و تفسیر نموده، موجب ایجاد تفرقه و نفاق شود.

پاراگراف اول ماده پنجاهم در لویه جرگه به متن ذیل تصویب شده بود، «دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور بعد از تصویب شورای ملی تدابیر لازم اتخاذ نماید.

«...»

متنی که بعد از توشیح و نشر تسجیل گردیده است چنین است، «دولت مکلف است بمنظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید ...»

تحریف مواد قانون اساسی پس از تصویب

پس از آن که لویه جرگه قانون اساسی دایر و با شکلیاتی که در قبل ذکر شد بالای طرح قانون اساسی مباحثه نمودند و در اخیر نسبت مخالفت های برخی از اعضا که آن ها تحصن اختیار نموده و دست به

اعتصاب زدند؛ نوعی تشنج بر اوضاع حاکم و بدون آن که در مورد احکام طرح به شکل ماده وار یا فصل وار یا حد اقل بالای کلیت آن رأی گیری کلی صورت بگیرد، رئیس لویه جرگه در جلسه اخیر بدون مقدمه موضوع را مطرح و اظهار داشت که طرح تصویب شد و این آواز رئیس با چک های برخی همراه گردیده و بدون شنیدن اعتراضات تصویب شده اعلام گردید و نیز ختم لویه جرگه اعلام شد. به هر صورت آن چه در این لویه جرگه تصویب شده اعلام شد؛ از قبل متن های چاپ شده تهیه و ترتیب و به امضای رئیس لویه جرگه ترتیب گردیده بود که برای تمام شرکت کنندگان یک، یک نسخه آن توزیع گردید و

متن کامل تغییرات وارده بر قانون اساسی بعد از تصویب

به خاطر ارایه معلومات بیشتر متذکر باید شد که بعد از تصویب و امضای قانون اساسی از طرف رئیس لویه جرگه قانون اساسی «48» مورد اصلاح و تعدیل در آن قرار ذیل وارد شده است، شاید از نگاه املا و انشاء برخی از این اصلاحات درست باشد، اما پس از تصویب طرح قانون، هیچ شخص و مرجع به جز مرجع تصویب قانون نمی تواند در آن اصلاحات را وارد نماید:

1- در خطبه: متن اصلی « الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين والصلاة والسلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد صلى الله عليه و سلم و على آله و اصحابه اجمعين » متن تعدیل شده « الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد صلى الله عليه و على آله و اصحابه اجمعين .

2 - فقره سوم مقدمه « با تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت بر حق تمام مردم افغانستان و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی افغانستان ؛ »

- متن تعدیل شده « با تقدیر از فداکاری ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت بر حق تمام مردم افغانستان و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی کشور؛ »

3- قسمت اخیر مقدمه « از طریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مؤرخ 14/ جدی 1382 در شهر کابل تصویب کردیم.

- متن تعدیل شده: « از طریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مؤرخ چهاردهم جدی سال یک هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری شمسی در شهر کابل تصویب کردیم. »

4- ماده چهارم متن اصلی « ملت افغانستان متشکل از اقوام ذیل می باشد: پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی، و سایر اقوام. بر هر از افراد ملت ...

هیچ فرد از افراد ملت ... »

- متن تعدیل شده « ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می باشد.

بر هر فردی از افراد ملت ...

هیچ فردی از افراد ملت ... »

5 - ماده هشتم، متن اصلی « ... تمامیت ارضی، عدم مداخله ... »

- متن تعدیل شده: « ... تمامیت ارضی و عدم مداخله ... »

6- فقره اول ماده نهم، متن اصلی: « ... ملک دولت می باشد. »

- متن تعدیل شده: « ... ملکیت دولت می باشد. »

7- ماده سیزدهم متن اصلی « ... پروگرام های موثر وضع و تطبیق می کند. »

- متن تعدیل شده: « ... پروگرام های موثر طرح و تطبیق می نماید. »

8- ماده چهاردهم متن اصلی: « ... پروگرام های موثر وضع و تطبیق می کند. »

- متن تعدیل شده: « ... پروگرام های موثر طرح و تطبیق می نماید. »

9-پراگراف دوم ماده شانزدهم متن اصلی: «... زبانهای ترکی(ازبکی و ترکمنی) بلوچی ، پشه یی ، نورستانی و پامیری در مناطقی که اکثریت با آن تکلم می نمایند علاوه بر زبان پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشند....»

راه های عملی تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد.

دولت برای تقویت ... پروگرام های موثر وضع و تطبیق می کند.»

- متن تعدیل شده: «... در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان های ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می نمایند، آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد.

دولت برای تقویت ... پروگرام های موثر طرح و تطبیق می نماید.

مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می گردد. «

10- ماده هفدهم متن اصلی : «... در همه سطوح و انکشاف ... مساجد مدارس. «

- متن تعدیل شده : «... در همه سطوح ، انکشاف ... مساجد ، مدارس ...»

11- ماده بیست و هفتم متن اصلی : «... مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت ... «

- متن تعدیل شده : «... مگر به حکم محکمه با صلاحیت ... «

12 - ماده سی و یکم متن اصلی : «... در محکمه حضور گردد. «

- متن تعدیل شده : «... در محکمه حاضر گردد. «

13- پراگراف اول ماده سی و دوم متن اصلی : «... موجب سلب یا محدود شدن آزادی مدیون نمی شود.

«

- متن تعدیل شده : «... موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود. «

14- ماده سی و چهارم متن اصلی : «... توسط قانون تنظیم می شود. «

- متن تعدیل شده : «... توسط قانون تنظیم می گردد. «

15- ماده سی و هشتم متن اصلی : «... که در قانون تصریح شده. «

- متن تعدیل شده : «... که در قانون تصریح شده است. «

16- ماده چهارم متن اصلی: «... مگر در حدود قانون. «

- متن تعدیل شده : «... مگر در حدود احکام قانون. «

17- ماده چهل و چهارم متن اصلی : «... پروگرام های موثر وضع و تطبیق نماید. «

- متن تعدیل شده : «... پروگرام های موثر طرح و تطبیق نماید. «

18- ماده چهل و پنجم متن اصلی : «... و مطابق با اصول علمی وضع و تطبیق می کند... . «

- متن تعدیل شده : «... و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند... . «

19- ماده چهل و هفتم متن اصلی : «... پروگرام های موثر وضع می کند. «

- متن تعدیل شده : «... پروگرام های موثر طرح می نماید.»

20 پراگراف اول ماده پنجا هم متن اصلی : «... دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق

اصلا حات در سیستم اداری کشور بعد از تصویب شورای ملی تدابیر لازم اتخاذ نماید. «

- متن تعدیل شده : «... دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری

کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. «

21- پراگراف اول ماده پنجاه و سوم متن اصلی: «... برای باز ماندگان شهدا، مفقودین، معلولین و

معیوبین، سهمگیری فعال آنها در جا معه و باز توانایی آنان مطابق به احکام قانون تدابیر لازم اتخاذ می

نماید. «

- متن تعدیل شده : «... برای باز ماندگان شهدا و مفقودین و برای باز توانی معلولین و معیوبین و سهم

گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می نماید. «

- 22- پراگراف اول ماده پنجاه و هشتم متن اصلی : « دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشردر افغانستان، بهبود و حمایت از آن ... »
- متن تعدیل شده : « دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن ... »
- 23- ماده شصت و دوم متن اصلی : « ... باید واجد شرایط ذیل باشد: »
- متن تعدیل شده : « ... واجد شرایط ذیل می باشد: »
- 24- ماده شصت و چهارم متن اصلی : « 11. تعیین وزراء، ... به تصویب ولسی جرگه... »
- متن تعدیل شده : « 11. تعیین وزراء... به تأیید ولسی جرگه ... »
- 25- پراگراف اول ماده شصت و هشتم متن اصلی : « ... توسط رئیس جمهور و تأیید ولسی جرگه تعیین می گردد. »
- پراگراف دوم « ... مطابق به حکم مندرج ماده (شصت و هفتم) این قانون اساسی.... »
- متن تعدیل شده : « ... توسط رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می گردد. »
- « مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی.... »
- 26- ماده هفتاد و دوم متن اصلی : « 1. باید تنها حامل تابعیت افغانستان باشد. در صورتی که کدام کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز ... »
- متن تعدیل شده : « 1. تنها حامل تابعیت افغانستان باشد. هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز ... »
- 27- ماده هفتاد و پنجم متن اصلی : « 5. ... و تکنالوژی؛ »
- متن تعدیل شده : « 5. ... و تکنالوژیکی؛ »
- 28- ماده هفتاد و هشتم متن اصلی : « ... با رعایت ماده (یکصد و سی و چهارم) ... »
- متن تعدیل شده : « ... با رعایت ماده یکصد و سی و چهارم... »
- 29- ماده هشتاد و سوم متن اصلی : « ... حداکثر (250) نفر می باشد. »
- « ... و از هر ولایت حداقل دو وکیل زن ... »
- متن تعدیل شده : « ... حد اکثر دو صد و پنجاه نفر می باشد. »
- « ... و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اوسط حداقل دو کیل زن ... »
- 30 - ماده هشتاد و پنجم متن اصلی : « ... باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل باشد
- « ... از تاریخ کاندید شدن یا تعیین. »
- « ... در روز کاندید شدن یا تعیین تکمیل کرده باشند. »
- متن تعدیل شده : « ... علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل می باشد:
- ... از تاریخ کاندید شدن یا تعیین شدن ...
- ... در روز کاندید یا تعیین شدن تکمیل کرده باشند. »
- 31- ماده هشتاد و ششم متن اصلی : « ... توسط کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات ... »
- متن تعدیل شده : « ... توسط کمیسیون مستقل انتخابات ... »
- 32- ماده هشتاد و هفتم : « ... یک نفر از اعضای خود را برای یک دوره تقنینیه به حیث رئیس ... »
- متن تعدیل شده : « ... یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه... »
- 33- ماده نودم متن اصلی : « ... و تکنالوژی »
- متن تعدیل شده : « ... و تکنالوژیکی »
- 34- ماده یکصد و بیست و چهارم : « ... ترفیع تقاعد ... »
- متن تعدیل شده : « ... ترفیع، تقاعد ... »

- 35- ماده یکصد و بیست و پنج: «... از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده و به حیث ...»
 - متن تعدیل شده: «... از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده، به حیث ...»
- 36- ماده یکصد و سی و هشتم متن اصلی: «... با انتخابات آزاد، ...»
 - متن تعدیل شده: «... از طریق انتخابات آزاد، ...»
- 37- ماده یکصد و سی و نهم متن اصلی: «... شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره ولایت اجرا می نماید.»
 - متن تعدیل شده: «... شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می نماید.»
- 38- ماده یکصد و چهل متن اصلی: «... شورا ها تشکیل می گردد.
 ... با انتخابات آزاد ...»
 - متن تعدیل شده: «شورا ها تشکیل می گردند.
 ... از طریق انتخابات آزاد، ...»
- 39 - ماده یکصد و چهل و سوم متن اصلی: «... و یا حالت مماثلی که حفظ استقلال و حیات ملی ...»
 - متن تعدیل شده: «... و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی ...»
- 40- ماده یکصد و چهل و هشتم متن اصلی: «... موادی که صد و چهل و چهار و یکصد و چهل و پنج این قانون اساسی...»
 - متن تعدیل شده: «... مواد یکصد و چهل و چهارم و یکصد و چهل و پنجم این قانون اساسی...»
- 41- ماده یکصد و پنجاه و دوم متن اصلی: «... و اعضای شورای ملی، ستره محکمه، ...»
 - متن تعدیل شده: «... و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، ...»
- 42 - ماده یکصد و پنجاه و پنجم متن اصلی: «... و اعضای شورای ملی ستره محکمه،»
 - متن تعدیل شده: «... و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، ...»
- 43- ماده یکصد و پنجاه و هفتم متن اصلی: «... از طرف رئیس جمهور تعیین می گردند.»
 - متن تعدیل شده: «... از طرف رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می گردند»
- 44- ماده یکصد و پنجاه و هشتم متن اصلی: «... سال 1381 هـ ش.»
 متن تعدیل شده: «... سال یک هزار و سیصد و هشتاد و یک هجری شمسی.»
- 45- ماده یکصد و پنجاه و نهم متن اصلی: «1. اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی، شورا های محلی، در مدت شش ماه.»
 - متن تعدیل شده: «1. اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شورا های محلی در مدت شش ماه؛»
- 46- ماده شصتم متن اصلی: «... به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردند.»
 - متن تعدیل شده: «... به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد.»
- 47- ماده یکصد و شصت و یکم متن اصلی: «... با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصد و پنجاه و هفتم این قانون اساسی ... ارجاع می گردد.
 ... لغو نگردیده باشد نافذ می باشد.»
- متن تعدیل شده: «... با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصد و پنجاه و نهم این قانون اساسی ... ارجاع می گردند.
 ... لغو نگردیده باشند نافذ می باشند.»
- 48- ماده یکصد و شصت و دوم متن اصلی: «... و با نفاذ آن، ... مغایر احکام این قانون اساسی ...»
 - متن تعدیل شده: «... با نفاذ این قانون اساسی، ... مغایر احکام آن ...»
- متذکر باید شد، طرحی که از طرف رئیس لویه جرگه قانون اساسی «صبغت الله مجددی» منحیث قانون اساسی افغانستان تصویب، امضاء و نشانی شد گردیده، به تمام شرکت کنندگان لویه جرگه توزیع شده است

که نقل امضاً شده آن نزد نگارنده موجود است، به خاطر جلوگیری از تراکم مطالب صرف تغییرات وارده ذکر و از ضمیمه ساختن متن کامل جلوگیری بعمل آمد.

از جانبی هم چنین استدلال می شود که این موضوعات در کمیته تفاهم لویه جرگه به تاریخ های 10 و 11 جدی سال 1382 فیصله شده است. اما متن یادداشتی که در همان تاریخ از طریق دارالانشأ کمیسیون قانون اساسی توزیع و نقل آن نزد نگارنده موجود است، مبین این واقعیت می باشد که برخی از این اصلاحات در یادداشت مذکور درج، ولی مطالب عمده در آن وجود ندارد.

نتیجه

جامعه یی که در طول بیش از چهار دهه بحران، نا آرامی، جنگ، درد و رنج را سپری نموده و به بحران مدیریت، بحران مشروعیت، بحران اعتماد و به دهها بحران دیگر مبتلاست، به همان پیمانه که به باز سازی مادی ضرورت دارد، بیشتر از آن به باز سازی معنوی نیازمند است. تأمین حاکمیت قانون، از میان بردن زورگویی و خلاف ورزی و بی عدالتی، ایجاب بازسازی حقوقی جامعه را می نماید. تا زمانی که در جامعه قانون اساسی منحصیث قانون مادر و اصل بوجود نیاید، نمی توان سایر قوانین را تدوین و طی مراحل نمود و بدون موجودیت قانون، تحکیم حاکمیت و قانونمند ساختن جامعه، امریست غیر مقدور و ناممکن، آن هم در جامعه یی که عده یی به قانون ستیزی و قانون گریزی عادت نموده باشند. بدون موجودیت قانون و تطبیق آن نمی توان عدالت را در جامعه تأمین نمود. هرگاه قانون، مطابق خواست، آرزو و خواهش مردم ساخته شود و آنها خود را در ساختن قانون شریک بدانند و نظریات شان در قانون منعکس ساخته شود، زمینه تطبیق و عملی ساختن قانون بیشتر مساعد خواهد شد.

بادر نظر داشت تحولات و تغییراتی که در طرح و متن قانون اساسی سال 1382 صورت گرفت در این قانون اساسی سه موضوع عمده نادیده گرفته شد، در حالی که در طرح مرتبه از طرف کمیسیون های تسوید و تدقیق و با در نظر داشت نظر خواهی عامه این موضوعات گنجانیده شده بود، اما این موارد از طرف دولت حذف و یا این که به گونه یی احکامی جانشین آن شد که نه منظور تهیه کنندگان طرح در آن رعایت شده بود و نه هم نظر مردم که حین نظر خواهی از آن ها به دست آمده بود. من که خود عضو کمیسیون تدقیق قانون اساسی بودم و در ظرف مدت کم تر از یک سال با مراجعه به نظریات مردم و متخصصین حدود 27 بار در طرح اصلاحات را وارد نمودیم، اما قسمتی از این احکام از طرف مقامات دولت حذف و برخی موارد نیز از طرف نمایندگان مردم در لویه جرگه قانون اساسی تعدیل و در نهایت هم در حدود 48 مورد پس از تصویب لویه جرگه قانون اساسی از طرف مقامات دولت تحریف گردید.

نارسایی های عمده در این قانون اساسی شامل موارد زیر است:

- شکل نظام سیاسی دولت؛

- تمرکز قدرت سیاسی و اداری؛

- نبود محکمه یا دیوان عالی قانون اساسی.

به این گونه دیده می شود که از زمان طرح قانون اساسی تا تصویب آن بازی هایی صورت گرفته که بعد ها مشکل زیادی را در تطبیق احکام آن به وجود آورد و سبب ایجاد اختلاف نظر میان شورای ملی، حکومت و ستره محکمه گردید. هدف از ایجاد این موانع مساعد ساختن زمینه برای عملی ساختن خواهشات و آرزو های حاکمان در مورد است.

مشکل اساسی یا کمبود و نارسایی در قانون اساسی سال 1382 عمدتاً شامل تمرکز قوا در یک دست، نبود نهاد عالی نظارتی از تطبیق قانون، تطبیق ناسالم نظام ریاستی در کشور، صلاحیت های بی حد و

حصر رئیس جمهور مندرج در ماده 64 و سایر مواد قانون اساسی و عملکرد وی نه منحصراً رئیس جمهور، بلکه منحصراً رئیس قوه اجرائیه و مداخله در صلاحیت های پارلمان و قضا بود.

هر گاه در نظام سیاسی پس از جنگ و منازعه برای حکمران قدرت زیاد داده شود، شکی نیست که این امر تمرکز قدرت را در یک دست به وجود آورده و حاکمان از این وضع سوء استفاده نموده و به جای حکومت مردم سالاری که در آن هدف اصلی توزیع قدرت سیاسی به مراجع مختلف و تأمین عدالت است، دکتاتوری و خود رأیی به وجود می آید.

مشکل تطبیقی قانون اساسی شامل عدم تطبیق احکام قانون اساسی در عمل و انحرافات بی شماری مبنی بر تحریف احکام قانون اساسی در موارد متعددی است که به همه حقوق دانان و مردم افغانستان واضح است.

تمدید مدت کار رئیس جمهور، تمدید مدت کار پارلمان، تغییر زمان برگزاری انتخابات، ایجاد کمیسیون های فرمایشی انتخاباتی برخلاف احکام قانون اساسی و غیره.

قوه قضائیه منحصراً یک ابزار و وسیله در دست رئیس جمهور قرار گرفته و هر نوع هدایت و سفارشی را که رئیس جمهور به قضا و سارنوالی امر می نمود، مانند حکم پادشاه غیر مسؤول و واجب الاحترام و قابل تعمیم دانسته می شد. به گونه مثال، رها نمودن مجرمان جنگی و تروریستان بدون رعایت حکم قانون، تعیین هیئت هایی که به خاطر رهایی محبوسین تعیین شده و بدون رعایت حکم قانون به رهایی محبوسان اقدام صورت گرفت، رهایی متهمین از طرف رؤسای جمهور وقت و استفاده از صلاحیت عفو بدون مجوز قانون و در مخالفت با احکام قانون اساسی به ویژه فقره 16 ماده 64 قانون اساسی، مداخله بی جای رئیس جمهور در قوه های قانون گذاری و قضایی.

به همین گونه زیر پا نمودن آرای مردم و تقلب در انتخابات بهترین نمونه نقض حقوق شهروندان از طرف حاکمان وقت بوده است.

به خاطر کسب معلومات بیشتر و هم درک حقایق قانون اساسی و تغییرات در آن، طرح نهایی مرتبه کمیسیون تدقیق قانون اساسی که به دولت سپرده شده است، با خواننده محترم شریک ساخته می شود.

متن نهایی مسوده قانون اساسی
که بعد از تدقیق کمیسیون تدقیق به مقام ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان
ارایه گردیده است

د افغانستان
 اساسی قانون

قانون اساسی
 افغانستان

د 1382 ه ش د تلی 27 27 / میزان / 1382 ه ش

فهرست		فهرست	
عنوان	د مادو شمیر	عنوان	تعداد ماده

21)	مقدمه فصل اول : دولت	21)	سرریزه لومری فصل:
(ماده)	فصل دوم : حقوق	(مادی)	دولت
37)	اساسی ووجایب	37)	دوم فصل: د
(ماده)	اتباع	(مادی)	اتباعو اساسی
	فصل سوم رئیس		حقوق او وجایب
11)	جمهور	)	دریم فصل :
(ماده)	فصل چهارم :	11 مادی)	جمهور رئیس
14)	حکومت		خلورم فصل :
(ماده)	فصل پنجم :	14)	حکومت
31)	شورای ملی	(مادی)	پنجم فصل : ملی
(ماده)	فصل ششم : لویه	31)	شوری
(7 ماده)	جرگه	(مادی)	شپږم فصل : لویه
19)	فصل هفتم : قضا	(7 مادی)	جرگه
(ماده)	فصل هشتم : دیوان	19)	اووم فصل : قضا
(7 ماده)	عالی قانون اساسی	(مادی)	اتم فصل : داساسی
	فصل نهم: اداره	(7 مادی)	قانون عالی دیوان
(7 ماده)	فصل دهم :		نهم فصل : اداره
(6 ماده)	اضطرار	(7 مادی)	لسم فصل :
(2 ماده)	فصل یازدهم :	(6 مادی)	اضطرار
(5 ماده)	تعدیل	(2 مادی)	یو ولسم فصل :
	فصل دوازدهم :	(5 مادی)	تعدیل
(5 ماده)	احکام متفرقه		دولسم فصل
	فصل سیزدهم :	(5 مادی)	متفرقه حکمونه
	احکام انتقالی		دیار لسم فصل :
			انتقالی حکمونه

بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه

ما مردم افغانستان:

- با ایمان راسخ به ذات پاک خداوند ج وتوکل بر مشیت او و اعتقاد به دین مقدس اسلام.
- با رعایت منشور ملل متحد واحترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر.
- با درک بی عدالتیها ونا بسمانیهای گذشته ومصائب بی شماری که بر کشور ما وارد آمده است.
- با تقدیراز فداکاریها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت برحق ملت وارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی افغانستان.

- با درک اینکه افغانستان واحد و یکپارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد.
 - به منظور تحکیم وحدت ملی و حراست از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور .
 - به منظور تأسیس نظامی متکی بر اراده مردم و دموکراسی .
 - به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم.
 - به منظور تقویت بنیاد های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی کشور.
 - به منظور تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان این سر زمین.
 - و بالاخره به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین المللی.
- این قانون اساسی را مطابق با واقعیت های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر، از طریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مورخ / / 1382 در شهر کابل تصویب نمودیم.

فصل اول

دولت

ماده اول

افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشد.

ماده دوم

دین افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

ماده سوم

در افغانستان هیچ قانونی نمی تواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و ارزشهای مندرج این قانون اساسی باشد.

ماده چهارم

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که بطور مستقیم یا توسط نمایندگان خود، آنرا اعمال می کند.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود.

هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانی محروم نمی گردد.

امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجم

تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

ماده ششم
دولت مکلف به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور می باشد.

ماده هفتم
دولت منشور ملل متحد و معاهدات بین الدول را رعایت، و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی را احترام میکند.
دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر جلوگیری میکند.

ماده هشتم
دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید.

ماده نهم
طرز استفاده از معادن، ذخایر زیر زمینی، بند وانهار، جنگلات، انرژی، صنایع ثقیله، مخابرات، خطوط مواصلاتی هوایی و زمینی، بنادر، بانکها، بیمه ها و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می شود.

ماده دهم
دولت، سرمایه گذاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق و حمایت میکند و مصونیت آن را تضمین می نماید.

ماده یازدهم
امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دوازدهم
دافغانستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل می باشد.
نشرپول، طرح و تطبیق سیاست پولی کشور مطابق به احکام قانون از صلاحیت بانک مرکزی می باشد.

تشکیل و طرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می شود.

ماده سیزدهم
دولت برای انکشاف صنایع، رشدتولید و ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیتهای پیشه واران پروگرامهای مؤثر وضع و تطبیق می کند.

ماده چهاردهم
دولت برای انکشاف زراعت و مالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان پروگرامهای مؤثر وضع و تطبیق میکند.
دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت های عامه برای اتباع مستحق مطابق به احکام قانون تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پانزدهم
آثار باستانی ملک دولت می باشد.
دولت مکلف است در مورد حفظ آثار باستانی، استفاده درست از ثروت های طبیعی و بهبود محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم
از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه ای، نورستانی و سایر زبانهای رایج در کشور، پشتو و دری زبانهای رسمی دولت می باشند.

دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان، پلانهای مؤثر وضع و تطبیق میکند. نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می باشد.

ماده هفدهم

دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح و انکشاف تعلیمات دینی و به منظور تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده هجدهم

مبدأ تقویمی کشور بر هجرت پیغمبر اکرم ص استوار است.

مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی می باشد.

جمعه روز تعطیل عمومی است. سایر رخصتی ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نوزدهم

بیرق افغانستان مرکب است از سه قطعه با رنگهای سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی به اندازه های مساوی از چپ به راست در کنار هم واقع شده و عرض هر رنگ معادل نصف طول آن است و در وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.

نشان ملی افغانستان عبارت از نشان محراب و منبر به رنگ سفید می باشد که در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع و در قسمت تحتانی آن تاریخ 1298 هجری شمسی و کلمه "افغانستان"، جا داشته و از دو طرف به خوشه های گندم احاطه شده است.

طرز استفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیستم

سرود ملی افغانستان توسط لویه جرگه تصویب می گردد.

ماده بیست و یکم

پایتخت افغانستان شهر کابل می باشد.

فصل دوم

حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده بیست و دوم

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد، بدون در نظر داشت لسان، قومیت، مذهب، محل سکونت و موقف اجتماعی، در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و سوم

زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی نمی گردد.

ماده بیست و چهارم

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است.

دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و پنجم

برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت، محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست و ششم

جرم یک امر شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخصی دیگر سرایت نمی کند.

ماده بیست و هفتم

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخصی را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخصی را نمی توان مجازات نمود مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هشتم

هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس

معامله بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد. هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم

تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخصی نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخصی دیگر، گرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا

توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد ممنوع است.

ماده سی ام

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به و سیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار

ندارد.

اقرار به جرم عبارت است از : اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور

محکمه با صلاحیت.

ماده سی و یکم

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا اثبات حق خود وکیل مدافع تعیین کند.

متهم حق دارد به مجرد گرفتاری از اتهام منسوبه اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین میکند

اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین میکند در محکمه احضار گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت، وکیل مدافع تعیین می نماید.

وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و دوم

مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی مدیون نمی شود.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و سوم

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا میباشند.

شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و چهارم

آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت ارزشهای

مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم میشود.

ماده سی و پنجم

اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی مطابق به احکام قانون، جمعیتها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه:

1- مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض اساسات دین مقدس اسلام و نصوص ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد.

2- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد.

3- اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد.

4- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد.

تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل میشود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی شود.

ماده سی و ششم

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح، طبق قانون و بدون اجازه قبلی دولت، اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و هفتم

آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است.

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و هشتم

مسکن شخص از تعرض مصون است.

هیچ شخصی به شمول دولت نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین میکند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و نهم

هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.

دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور، حمایت می نماید.

ماده چهلیم

ملکیت از تعرض مصون است

هیچ شخصی از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود مگر در حدود قانون.

ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود. استملاک ملکیت شخص تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض قبلی و عادلانه به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش و اعلان دارایی شخص تنها به حکم قانون صورت میگیرد.

ماده چهل و یکم

اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند.

اجاره عقار بمنظور سرمایه گذاری مطابق به احکام قانون مجاز میباشد.

فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی بر اساس رویه بالمثل و به موسسات بین المللی که افغانستان عضو آن باشد، بعد از موافقه حکومت مجاز میباشد.

ماده چهل و دوم

هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تادیه کند.

هیچ نوع مالیه و محصول بدون حکم قانون وضع نمی شود.

اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن با رعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین می گردد.

این حکم در مورد اشخاص و موسسات خارجی نیز تطبیق میشود.

ماده چهل و سوم

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که الی درجه ثانوی بصورت رایگان از طرف دولت تامین می

گردد.

دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تامین تعلیمات متوسطه اجباری،

پروگرام مؤثر وضع و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم میکنند فراهم کند.

ماده چهل و چهارم

دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی

سوادی در کشور، پروگرامهای مؤثر وضع و تطبیق نماید.

ماده چهل و پنجم

دولت نصاب واحد تعلیمی را بر مبنای اساسات دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول

علمی وضع و تطبیق میکند و نصاب مضامین دینی مکاتب را بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان تدوین می نماید.

ماده چهل و ششم

تأسیس و اداره موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است.

اتباع افغانستان نیز می توانند به اجازه دولت به تأسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی

و سواد آموزی اقدام نمایند.

دولت می تواند تأسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز

مطابق به احکام قانون اجازه دهد.

شرایط شمول در موسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می

گردد.

ماده چهل و هفتم

دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای مؤثر وضع میکند.

دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین مینماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق

و حمایت میکند و استفاده مؤثر از نتایج آن را مطابق به احکام قانون تعمیم می بخشد.

ماده چهل و هشتم

کار حق هر افغان است.

تعیین ساعات کار و رخصتی با مزد توسط قانون تنظیم می گردد.

هدف عمده قوانینی که برای تنظیم کار وضع می گردد، رسیدن به مرحله ای است که در آن حقوق و منافع اصناف کارگران حمایت شود؛ شرایط مساعد کار فراهم گردد و روابط بین کارگران و کار فرمایان به صورت عادلانه تنظیم یابد.

انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون آزاد میباشد.

ماده چهل ونهم

تحمیل کار اجباری ممنوع است.

کار اجباری درحالت جنگ، آفات و سایر حالات که حیات و آسایش عامه را تهدید کند از این امر مستثنی میباشد.

تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.

ماده پنجاه هم

دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید.

اداره اجراءات خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا میباشند.

اتباع افغانستان براساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته میشوند.

ماده پنجاه و یکم

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود، مستحق جبران خساره میباشد و میتواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند.

به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه و دوم

دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین مینماید.

دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را طبق قانون تشویق و حمایت میکند.

دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزشهای ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ مینماید.

ماده پنجاه و سوم

دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین، معلولین و معیوبین مطابق به احکام قانون تدابیر لازم اتخاذ مینماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده و برای کهن سالان، زنان بی سرپرست و ایتام بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

ماده پنجاه و چهارم

خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل میدهد و مورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با اساسات دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.

ماده پنجاه و پنجم

دفاع از وطن وجیهه تمام اتباع افغانستان است.

شرایط اجرای دوره مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه و ششم

پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه و جیبیه تمام مردم افغانستان است.

بی خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی شود.

ماده پنجاه و هفتم
دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان طبق قانون تضمین میکند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف میباشند.

ماده پنجاه و هشتم
دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق اساسی افراد و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأسیس مینماید.

هر شخص میتواند در صورت نقض حقوق اساسی خود، به این کمیسیون شکایت نماید.
کمیسیون میتواند موارد نقض حقوق اساسی افراد را به مراجع قانونی راجع سازد.
تشکیل و طرز فعالیت کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد.
هیچ شخص نمیتواند با سوء استفاده از حقوق و آزادیهای مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی و مصالح عامه عمل کند.

فصل سوم

رئیس جمهور

ماده پنجاه و نهم

رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجرایی، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال میکند.
رئیس جمهور دارای یک معاون می باشد که در حالت غیاب، استعفاء و یا وفات رئیس جمهور مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل میکند.

ماده شصتم

رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فیصد آرای رأی دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می گردد.

وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار می گردد.

هر گاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فیصد آرا را بدست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آرا را در دور اول بدست آورده اند، شرکت مینمایند.

در دور دوم انتخابات، شخصی که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهور شناخته میشود.
هرگاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری قبل از دور اول یا دوم رأی گیری و یا قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار می گردد.

انتخابات ریاست جمهوری تحت نظارت کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات بر گزار میشود. این کمیسیون برای نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

ماده شصت و یکم

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید میشود، باید واجد شرایط ذیل باشد:

- 1- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.
 - 2- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد.
 - 3- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد. هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره بحیث رئیس جمهور انتخاب گردد. حکم مندرج این ماده در مورد معاون رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد. ماده شصت و دوم
- رئیس جمهور قبل از اشغال وظیفه، با حضور اعضای شورای ملی و رئیس ستره محکمه، حلف آتی را بجا می آورد:
- بسم الله الرحمن الرحيم
- "بنام خداوند بزرگ Ψ به حضور شما نمایندگان ملت افغانستان سوگند یاد میکنم که اساسات دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم. قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم"
- ماده شصت و سوم
- رئیس جمهور دارای صلاحیتها و وظایف ذیل میباشد:
- 1- مراقبت از اجرای قانون اساسی
 - 2- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور.
 - 3- قیادت اعلاى اردوى افغانستان.
 - 4- اعلان حرب و متارکه به تأیید شورای ملی.
 - 5- فرستادن قطعات اردو به خارج افغانستان به تأیید شورای ملی
 - 6- دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و هشتم این قانون اساسی.
 - 7- اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی و خاتمه دادن به آن.
 - 8- افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه.
 - 9- منحل ساختن ولسی جرگه با رعایت احکام مندرج ماده یکصد و پنجم این قانون اساسی و اصدار فرمان انتخابات مجدد.
 - 10- تعیین و عزل معاون ریاست جمهوری و قبول استعفاى او.
 - 11- تعیین، عزل و قبول استعفاى صدراعظم و وزراء.
 - 12- تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه به تأیید ولسی جرگه.
 - 13- تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح و مامورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون.
 - 14- تعیین رئیس و اعضای دیوان عالی قانون اساسی به تأیید مشرانو جرگه.
 - 15- تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و موسسات بین المللی.
 - 16- قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان.
 - 17- توشیح قوانین و فرامین تقنینی.
 - 18- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول و میثاقهای بین المللی مطابق به احکام قانون.
 - 19- تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون.
 - 20- اعطای مدالها، نشانها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون.
 - 21- تعیین رئیس بانک مرکزی به تأیید ولسی جرگه.

22- تأسیس کمیسیونها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون.

23- سایر صلاحیتهای و وظایف مندرج این قانون اساسی.

ماده شصت و چهارم

رئیس جمهور در برابر ملت مسئول میباشد.

ملت این حق را بر طبق حکم مندرج ماده شصت و هشتم این قانون اساسی اعمال میکند.

ماده شصت و پنجم

رئیس جمهور میتواند در موضوعات مهم ملی، سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم

افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی و یا مستلزم تعدیل آن باشد.

ماده شصت و ششم

رئیس جمهور در اعمال صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را

رعایت میکند.

رئیس جمهور نمیتواند بدون حکم قانون ملکیتهای دولتی را بفروشد یا اهداء کند.

رئیس جمهور نمیتواند در زمان تصدی وظیفه، از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی،

مذهبی و حزبی استفاده نماید.

ماده شصت و هفتم

در صورت استعفاء، عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه

شود، در خلال مدت دو ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید برگزار می گردد.

در این مدت معاون رئیس جمهور صلاحیتهای و وظایف رئیس جمهور را به عهده میگیرد.

معاون رئیس جمهور بحیث رئیس جمهور موقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند:

تعدیل قانون اساسی؛

انحلال ولسی جرگه؛

عزل صدراعظم و وزراء و مراجعه به آراء عامه.

ماده شصت و هشتم.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث کل

اعضای ولسی جرگه تقاضا شده میتواند. در صورتیکه این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه

تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر مینماید.

هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از

وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می گردد. محکمه خاص متشکل از نه نفر میباشد که

بطور مساوی از اعضای ولسی جرگه، ستره محکمه و دیوان عالی قانون اساسی توسط لویه جرگه تعیین

میگردند. اقامه دعوی توسط شخصیکه از طرف لویه جرگه تعیین می گردد صورت میگیرد. در این حالت

احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

رئیس جمهور درحالت اتهام به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا جنایت، نمیتواند شورای

ملی را منحل کند.

ماده شصت و نهم

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد.

رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت به استثنای حالات عزل و استعفاء برای بقیه مدت حیات از حقوق

مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید میشود.

فصل چهارم

حکومت

ماده هفتم

حکومت ارگان اجرائی دولت جمهوری اسلامی افغانستان میباشد.

حکومت متشکل است از صدراعظم و وزراء.

تعداد وزراء و وظائف شان توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هفتم و یکم

شخصی که بحیث صدراعظم یا وزیر تعیین میشود باید واجد شرایط ذیل باشد:

- 1- تبعه افغانستان بوده، از والدین افغان تولد شده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.
- 2- دارای تحصیل، تجربه کاری و شهرت نیک باشد.
- 3- سن وی از سی و پنج سال کمتر نباشد.
- 4- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

ماده هفتم و دوم

صدراعظم به فرمان رئیس جمهور تعیین می گردد. تعیین سایر اعضاء حکومت به پیشنهاد صدراعظم و منظوری رئیس جمهور صورت میگیرد.

صدراعظم، وزراء و خط مشی حکومت را به ولسی جرگه معرفی مینماید.

ماده هفتم و سوم

صدراعظم و وزراء میتوانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند. هرگاه عضو شورای ملی به حیث صدراعظم یا وزیر تعیین شود، عضویت خود را در شورا از دست میدهد. و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین می گردد.

ماده هفتم و چهارم

صدراعظم و وزراء قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، اعضای شورای ملی و ستره محکمه بجا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

"بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که اساسات دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و در همه اعمال خود خداوند (ج) را حاضر دانسته، وظائف محوله را صادقانه انجام دهم."

ماده هفتم و پنجم

حکومت دارای وظائف ذیل میباشد:

- 1- تعمیم احکام این قانون اساسی، سایر قوانین و فیصله های قطعی محاکم.
- 2- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی.
- 3- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری.
- 4- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه.
- 5- طرح و تطبیق پلانهای انکشافی اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و تکنالوژی.
- 6- ارایه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی در باره امور انجام شده و پلان های عمده سال مالی جدید.

7- انجام سایر وظائفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر از وظائف حکومت دانسته شده است.

ماده هفتم و ششم

حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع و تصویب میکند.

این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانونی نباشد.

ماده هفتاد و هفتم

صدراعظم از مجلس وزراء ریاست، فعالیت حکومت را اداره و هماهنگی در اجراءات را تأمین مینماید. در صورتیکه رئیس جمهور لازم بداند، مجلس وزراء به ریاست رئیس جمهور دایر می گردد.

حفظ رابطه رئیس جمهور و حکومت با شورای ملی، وظیفه صدراعظم میباشد.

در غیاب صدراعظم یکی از وزراء به فرمان رئیس جمهور، وظایف صدراعظم را اجرا میکند.

ماده هفتاد و هشتم

وزراء وظایف خود را به حیث آمرین واحد های اداری و به حیث اعضای حکومت، در داخل حدودی

که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین میکند، اجرا میدارند.

ماده هفتاد و نهم

صدراعظم و وزراء از سیاست عمومی حکومت مشترکاً و از وظایف مشخصه خود منفرداً نزد رئیس

جمهور ولسی جرگه مسؤولیت دارند.

ماده هشتادم

حکومت در احوال آتی از بین میرود:

1- وفات، استعفا یا عزل صدراعظم.

2- رأی عدم اعتماد از طرف ولسی جرگه.

3- اتهام صدراعظم، نصف یا اکثر اعضای حکومت به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا

جنایت مطابق به حکم ماده هشتاد و یکم این قانون اساسی.

4- تجدید دوره ریاست جمهوری.

در صورت وفات صدراعظم یک نفر از وزراء به امر رئیس جمهور، وظایف صدراعظم را تا تشکیل

حکومت جدید، اجرا میکند.

در صورتیکه حکومت به علت اتهام به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت مطابق به

حکم ماده هشتاد و یکم این قانون اساسی از بین برود، رئیس جمهور با رعایت حکم مندرج ماده هفتاد و دوم این قانون اساسی فرمان تشکیل حکومت جدید را صادر مینماید.

در سایر احوال حکومتی که از بین رفته تا تشکیل حکومت جدید به وظیفه خود دوام میدهد.

ماده هشتاد و یکم

هرگاه بیش از یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه، محاکمه صدراعظم، نصف یا بیشتر از نصف

اعضای حکومت را بر اساس اتهام به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، حکومت سقوط میکند و موضوع به محکمه

خاص محول می گردد. تشکیل محکمه و طرز العمل محاکمه توسط قانون تنظیم می گردد.

این حکم در حالتی نیز تطبیق می گردد که اتهام ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت به

یک یا چند وزیر که تعداد شان کمتر از نصف اعضای حکومت باشد، متوجه گردد،

در نتیجه این اتهام، متهم یا متهمین از وظیفه عزل میگردند ولی حکومت سقوط نمی کند.

ماده هشتاد و دوم

حکومت می تواند در حالت تعطیل یا انحلال ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای

امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند.

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حائز میشود. فرامین تقنینی باید در خلال 30 روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود. در صورتیکه از طرف ولسی جرگه رد شود از اعتبار ساقط می گردد.

ماده هشتاد و سوم
صدر اعظم و وزراء نمی توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نمایند.

فصل پنجم

شورای ملی

ماده هشتاد و چهارم
شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان بحیث عالی ترین ارگان تقنینی، مظهر اراده مردم آن است و از قاطبة ملت نمایندگی میکند.
هر عضو شورا در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار میدهد.

ماده هشتاد و پنجم
شورای ملی متشکل از دو مجلس ولسی جرگه و مشرانو جرگه میباشد.
هیچ شخصی نمیتواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.
ماده هشتاد و ششم
اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب میگردند.
دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان میرسد و شورای جدید به کار آغاز مینماید.
انتخابات اعضای ولسی جرگه در مدت کمتر از سی روز و بیشتر از شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار نمی گردد.

تعداد اعضای ولسی جرگه بین (220) الی (250) نفر میباشد.
حوزه های انتخاباتی و سایر مسائل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می گردد.
در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و از هر ولایت حد اقل یک وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.
ماده هشتاد و هفتم

اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین میشوند:
1- از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوطه برای مدت چهار سال.
2- از جمله اعضای شورا های ولسوالیهای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورا های مربوطه برای مدت سه سال.
3- یک ثلث باقیمانده از جمله شخصیت های خبیر و با تجربه به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.

رئیس جمهور تعداد پنجاه فیصد از این اشخاص را از بین زنان تعیین مینماید.
شخصی که به حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب میشود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده و به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.
ماده هشتاد و هشتم

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین میشود، باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان، واجد اوصاف ذیل باشد:

1- تبعه افغانستان بوده یا حد اقل ده سال قبل از تاریخ کاندید شدن یا تعیین، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.

2- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد

4- اعضای ولسی جرگه سن سی سالگی را در روز کاندید شدن و اعضای مشرانو جرگه سن چهل سالگی را در روز کاندید شدن یا تعیین تکمیل کرده باشند.

ماده هشتاد ونهم

وثایق انتخاباتی اعضای ولسی جرگه توسط کمیسیون متشکل از نمایندگان ستره محکمه، کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات ولوی حارنوالی تدقیق می گردد.

طرز تشکیل کمیسیون و تدقیق وثایق توسط قانون تنظیم می شود.

ماده نودم

هریک از دو مجلس شورای ملی در آغاز دوره کار یک نفر از اعضای خود را برای یک دوره تقنینیه به حیث رئیس و دو نفر را بحیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را بحیث منشی و نایب منشی برای مدت یکسال انتخاب میکند.

این اشخاص هیئت اداری ولسی جرگه و مشرانو جرگه را تشکیل میدهند.

وظایف هیئت اداری در اصول وظایف داخلی هر مجلس تعیین میشود.

ماده نود و یکم

هریک از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول وظایف داخلی کمیسیون ها تشکیل میدهد.

ماده نود و دوم

ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضا، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.

ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد.

ماده نود و سوم

شورای ملی دارای صلاحیت های ذیل میباشد:

1- تصویب، تعدیل یا لغو قوانین ویا فرامین تقنینی.

2- تصویب پلانهای انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژی.

3- صویب بودجه دولتی.

4- ایجاد واحد های اداری، تعدیل ویا الغای آن.

5- صدیق معاهدات و میثاقهای بین المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن.

6- اجازه اخذ و اعطای قرضه.

7- سایر صلاحیتهای مندرج این قانون اساسی.

ماده نود و چهارم

ولسی جرگه دارای صلاحیت های اختصاصی ذیل می باشد:

1- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح و صدور رأی عدم اعتماد به حکومت ویا هریک از وزراء

2- اتخاذ تصمیم نهائی راجع به پلانهای انکشافی و بودجه دولتی در صورت اختلاف نظر بین ولسی جرگه و مشرانو جرگه.

3- تأیید مقرریها مطابق به احکام این قانون اساسی.

ماده نود و پنجم
ولسی جرگه به پیشنهاد یک دهم کل اعضا، میتواند از صدراعظم یا هریک از وزراء استیضاح به عمل آورد.

هرگاه توضیح ارایه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی میکند.

ماده نود و هشتم
رأی عدم اعتماد از حکومت باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. این رأی با اکثریت آرا کل اعضای ولسی جرگه صادر می گردد.

ماده نود و هفتم
هریک از کمیسیونهای هر دو مجلس شورای ملی میتواند از صدراعظم یا هریک از وزراء در موضوعات معین سوال نماید.

شخصی که از او سوال به عمل آمده، میتواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نود و هشتم
قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد میتواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. با سپری شدن این مدت و یا در صورتیکه ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه، توشیح شده محسوب و نافذ می گردد.

ماده نود و نهم
پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شوری و در ساحه تنظیم امور قضائی از طرف ستره محکمه صورت گرفته میتواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی تنها از طرف حکومت صورت میگیرد.

ماده صد
پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا ستره محکمه نخست به ولسی جرگه تقدیم می گردد. ولسی جرگه نمیتواند طرح پیشنهاد شده را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می سپارد. مشرانو جرگه در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ میکند.

شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و پلانهای انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید، اولویت میدهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارایه شده است در فهرست کار آن مجلس داخل می گردد.

ماده یکصد و یکم
هرگاه پیشنهاد طرح قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل میشود که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیش بینی شده باشد.

این حکم بر پیشنهاد طرح قانون از طرف ستره محکمه تطبیق نمی شود.

ماده یکصد و دوم
بودجه دولت و پلان انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توأم با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم میشود.

تصمیم ولسی جرگه بدون ارایه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده میشود.

هرگاه نظر به عواملی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می گردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم مینماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده مطابق به احکام قانون به شورای ملی تقدیم می گردد.

ولسی جرگه نمی تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را بیش از پانزده روز به تأخیر اندازد.

هرگاه ولسی جرگه درین مدت راجع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می گردد.

ماده یکصد و سوم

در صورتیکه در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پلان انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد، مدت اجلاس شوری قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمیتواند.

ماده یکصد و چهارم

هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می گردد.

فیصله هیئت بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده میشود. در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می رود.

هرگاه تصویب از طرف ولسی جرگه به عمل آمده باشد، ولسی جرگه میتواند در جلسه بعدی آنرا با اکثریت آرای اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارایه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده میشود.

هرگاه اختلاف دو مجلس در مورد طرح قوانین مالی باشد، در صورتیکه هیئت مختلط به حل آن موفق نشود، ولسی جرگه میتواند طرح مذکور را با اکثریت آرای اعضا تصویب نماید. این طرح بدون ارایه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده میشود.

ماده یکصد و پنجم

ولسی جرگه در حالاتی که مصالح علیای کشور ایجاب کند، به امر رئیس جمهور به مشوره اکثریت آرا هیئتی متشکل از: صدراعظم، رء ساء ولسی جرگه و مشرانو جرگه منحل می گردد.

انتخابات مجدد در خلال دو ماه از تاریخ انحلال انجام می یابد.

ولسی جرگه جدید تا یک سال بعد از انتخابات مجدد، قابل انحلال نمی باشد.

ولسی جرگه در خلال شش ماه اخیر دوره ریاست جمهور منحل نمی گردد.

ماده یکصد و ششم

هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه یی که در هنگام اجرای وظیفه ابراز میدارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمیگیرد.

ماده یکصد و هفتم

هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مامور مسؤول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است، اطلاع میدهد. و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته میتواند.

در مورد جرم مشهود مامور مسؤول میتواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن میباشد، تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

در هر دو حالت هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مامور مسؤول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آنرا حاصل نماید.

اگر اتهام در هنگام تعطیل شورا صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط حاصل می گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارایه میشود.

ماده یکصد و هشتم

حکومت میتواند در جلسات هریک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزد. هر مجلس شورای ملی میتواند حضور صدراعظم یا وزراء را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده یکصد و نهم

هر دو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه میکنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل میتواند بطور مشترک دایر شود:

1- در موقعیکه دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می گردد.

2- در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه از جلسات مشترک شورای ملی ریاست مینماید.

ماده یکصد و دهم

جلسات شورای ملی علنی میباشد مگر اینکه رئیس حکومت، رئیس مجلس یا حد اقل ده نفر از اعضای

شورای ملی سری بودن آنرا در خواست نمایند و مجلس این درخواست را بپذیرد.

هیچ شخصی نمی تواند عنفاً به مقر شورای ملی داخل شود.

ماده یکصد و یازدهم

نصاب هریک از دو مجلس شورای ملی هنگام رأی گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد

و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ میشود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور

دیگری تصریح نموده باشد.

ماده یکصد و دوازدهم

شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر میکند.

مدت کار هر دو اجلاس شوری در هر سال نه ماه میباشد. در صورت ایجاب، شوری میتواند این مدت

را تمدید کند.

جلسات فوق العاده شوری در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده میتواند.

ماده یکصد و سیزدهم

در حالات وفات، استعفاء و عزل عضو شورای ملی و یا معلولیت یا معیوبیتی که بطور دایم مانع اجرای

وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی مانده دوره تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.

امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ملی در اصول و ظایف داخلی تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهاردهم

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات در یک سال اخیر دوره تقنینیه در فهرست کار شورای ملی داخل شده

نمیتواند.

فصل ششم

لویه جرگه

ماده یکصد و پانزدهم

لویه جرگه عالیترین مظهر اراده مردم افغانستان میباشد.

لویه جرگه متشکل است از:

1- اعضای شورای ملی.

2- رؤساء شوراهای ولایات و ولسوالیها.

صدراعظم، وزراء، رؤساء و اعضای ستره محکمه و دیوان عالی قانون اساسی میتوانند در جلسات

لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند.

ماده یکصد و شانزدهم

لویه جرگه در حالات ذیل دایر می گردد:

1- اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای

کشور.

2- تعدیل احکام این قانون اساسی.

3- محاکمة رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هشتم این قانون اساسی.

ماده یکصد و هفدهم

هرگاه لویه جرگه در حالت انحلال ولسی جرگه دایر گردد، اعضای آن حیثیت خود را به صفت

اعضای لویه جرگه حفظ میکنند.

ماده یکصد و هجدهم

لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضا یک نفر را بحیث رئیس و یک نفر را بحیث معاون و دو

نفر را بحیث منشی و نایب منشی انتخاب میکند.

ماده یکصد و نوزدهم

نصاب لویه جرگه هنگام رأی دهی با حضور اکثریت اعضا تکمیل می گردد.

تصامیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده، با اکثریت آرای کل

اعضا اتخاذ می گردد.

ماده یکصد و بیستم

مباحثات لویه جرگه علنی میباشد مگر اینکه یک ربع اعضا سری بودن آنرا در خواست نمایند و لویه

جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماده یکصد و بیست و یکم

در هنگام دایر بودن لویه جرگه احکام مندرج مواد یکصد و ششم و هفتم این قانون اساسی در

مورد اعضای آن تطبیق می گردد.

فصل هفتم

قضاء

ماده یکصد و بیست و دوم

قوة قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان میباشد.

قوة قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت

آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضائی در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

ماده یکصد و بیست و سوم

ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه وبا رعایت احکام مندرج فقره آخر ماده پنجاهم وماده یکصد و بیست و چهارم این قانون اساسی برای مدت ده سال تعیین میشوند.

رئیس جمهور یکی از اعضا را بحیث رئیس ستیره محکمه تعیین میکند.

اعضای ستیره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یکصدوسی و دو این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمیشوند.

ماده یکصد و بیست و چهارم

عضو ستیره محکمه باید واجد شرایط ذیل باشد:

- 1- سن رئیس و اعضا در حین تعیین از چهل سال کمتر نباشد.
- 2- تبعه افغانستان بوده وتابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.
- 3- در علوم حقوقی ویا فقهی تحصیلات عالی ودر نظام قضائی افغانستان تخصص وتجربه کافی داشته باشد.

4- دارای حسن سیرت وشهرت نیک باشد.

5- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

6- در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

ماده یکصد و بیست و پنجم

اعضای ستیره محکمه قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور بجا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

"بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که حق وعدالت را برطبق اساسات دین مقدس اسلام، نصوص و ارزشهای مندرج قانون اساسی وسایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضاء را با کمال امانت، صداقت و بی طرفی اجرا نمایم.

ماده یکصد و بیست و ششم

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی بی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده یکصد و بیست و هفتم

هیچ قانونی نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه بی را از دایرة صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تجدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت و هشتم، هشتاد و یکم ویکصد و سی و دوم این قانون اساسی ومحاكم عسکری نمی گردد.

تشکیل وصلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و بیست و هشتم

بارعایت احکام این قانون اساسی قواعد مربوط به تشکیلات، صلاحیت و اجراءات محاکم وامور مربوط به قضاات توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و بیست و نهم

در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می‌باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات شان توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

ماده یکصد و سی ام
بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده و به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می‌شود.
تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می‌باشد.

ماده یکصد و سی و یکم
اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می‌شوند، مشروط بر اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نورزند.

ماده یکصد و سی و دوم
هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد.
تشکیل محکمه و طرز العمل محاکمه توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و سی و سوم
در محاکم افغانستان، محاکمه بصورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.
محکمه میتواند درحالاتی که در قانون تصریح گردیده و یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یکصد و سی و چهارم
محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر مینماید، در فیصله ذکر کند.
تمام تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور میباشد.

ماده یکصد و سی و پنجم
محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق میکند.
هرگاه برای قضیه یی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین، حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

ماده یکصد و سی و ششم
محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد و طرفین دعوا از اهل تشیع باشند، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.

ماده یکصد و سی و هفتم
قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور تعیین می‌گردند.
تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذ و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام این قانون از صلاحیت ستره محکمه میباشد.

ستره محکمه بمنظور تنظیم بهتر امور اجرائی و قضائی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می نماید.

ماده یکصد و سی و هشتم

هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند، پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به قانون مجازات میشود.

ماده یکصد و سی و نهم

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف حارنوالی مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.

حارنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل میباشد.

تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت حارنوالی توسط قانون تنظیم می گردد.

کشف و تحقیق جرایم مربوط به قوای مسلح توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهلم

اگر طرف دعوا زبانی را که محکمه توسط آن صورت میگیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه توسط ترجمان و حق صحبت در محکمه به زبان مادری برایش تأمین می گردد.

فصل هشتم

دیوان عالی قانون اساسی

ماده یکصد و چهل و یکم.

دیوان عالی قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان از مطابقت قوانین با قانون اساسی مطابق به احکام این فصل مراقبت می نماید.

ماده یکصد و چهل و دوم

دیوان عالی قانون اساسی متشکل است از شش عضو که برای مدت 9 سال توسط رئیس جمهور و تأیید مشرانو جرگه برای یک دوره تعیین میگردند.

رئیس جمهور یکی از اعضا را بحیث رئیس تعیین میکند.

تشکیل و طرز فعالیت دیوان عالی قانون اساسی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهل و سوم

عضو دیوان عالی قانون اساسی باید واجد شرایط ذیل باشد:

1- تبعه افغانستان بوده، تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد.

2- در علوم حقوقی و فقهی دارای تحصیلات عالی باشد.

3- دارای سابقه خدمت حداقل ده سال در امور حقوقی، قضائی و یا تقنینی باشد.

4- سن چهل سالگی را تکمیل کرده باشد.

5- به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

ماده یکصد و چهل و چهارم

دیوان عالی قانون اساسی افغانستان، دارای صلاحیت های ذیل می باشد:

1- بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق

های بین المللی با قانون اساسی.

2- تفسیر قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی.

ماده یکصد و چهل و پنجم
رئیس جمهور، حکومت یا یک پنجم اعضای هر یک از دو مجلس شورای ملی میتوانند اسناد تقنینی مندرج فقره اول ماده یکصد و چهل و چهارم این قانون اساسی را به منظور بررسی مطابقت آن با قانون اساسی به دیوان عالی قانون اساسی ارجاع نمایند.

ماده یکصد و چهل و هشتم
هرگاه یکی از محاکم در اثنای رسیدگی به دعوا تشخیص دهد که حکم مندرج قانون مربوط به قضیه مورد نزاع، مغایر قانون اساسی است، دعوا را متوقف و موضوع را به دیوان عالی قانون اساسی ارجاع میدارد.

این حکم در صورتیکه یکی از طرفین دعوا چنین مغایرتی را ادعا و محکمه آنرا تأیید نماید نیز تطبیق می گردد.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان در صورتیکه حکم مندرج در قانون را با حقوق اساسی اتباع مندرج این قانون اساسی مغایر تشخیص دهد، نیز میتواند موضوع را به دیوان عالی قانون اساسی ارجاع نماید.

ماده یکصد و چهل و هفتم
اسناد تقنینی که از طرف دیوان عالی قانون اساسی مناقض با احکام مندرج این قانون اساسی تشخیص گردد، ملغی می باشد.

حکم دیوان عالی قانون اساسی نهائی و غیر قابل تجدید نظر بوده بعد از نشر در جریده رسمی نافذ میباشد.

فصل نهم

اداره

ماده یکصد و چهل و هشتم
اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحد های اداره مرکزی و ادارات محلی طبق قانون تنظیم می گردد.

صدراعظم در رأس اداره قرار دارد.
اداره مرکزی به یک عده واحد های اداری منقسم می گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد.

واحد اداره محلی ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوطه، براساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهل و نهم
حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هرچه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیتهای لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می نماید.

ماده یکصد و پنجاهم
در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل میشود.
اعضای شورای ولایتی طبق قانون به تناسب نفوس، با انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب میگردند.

شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

ماده یکصد و پنجاه و یکم

شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت، مشوره میدهد.

شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره ولایت اجرا می نماید.

ماده یکصد و پنجاه و دوم

برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها و قریه ها مطابق به احکام قانون، شورا ها تشکیل می گردد.

اعضای این شورا ها با انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب میشوند.

سهمگیری کوچیان در شورا های محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و سوم

برای اداره امور شهری، شاروالی تشکیل میشود.

شاروال و اعضای مجالس شاروالی از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب میشوند.

امور مربوط به شاروالی ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم

دولت به مقصد تعمیم احکام و تأمین ارزشهای مندرج این قانون اساسی ادارات لازم را تشکیل مینماید.

دولت بمنظور تأمین امن و نظم، کنترل دارائی عامه و تنظیم امور احصائیه، ادارات امنیت ملی، تفتیش حسابی و اداری و احصائیه مرکزی را تأسیس مینماید.

فصل دهم

حالت اضطرار

ماده یکصد و پنجاه و پنجم

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثلی که حفظ استقلال و حیات ملی از مجرائی که در قانون اساسی تعیین شده، نا ممکن گردد حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان میشود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت شورای ملی شرط است.

ماده یکصد و پنجاه و ششم

در حالت اضطرار، رئیس جمهور میتواند به مشوره صدراعظم و رؤسای شورای ملی، ستره محکمه و دیوان عالی قانون اساسی تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا برآن قیودی وضع نماید:

1- فقره دوم ماده بیست و هفتم.

2- ماده سی و ششم.

3- فقره دوم ماده سی و هفتم.

4- فقره دوم ماده سی و هشتم.

ماده یکصد و پنجاه و هشتم

در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده یکصد و پنجاه و نهم

هرگاه دوره ریاست جمهوری و یا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات تجدید ملتوی گذاشته شده و مدت خدمت رئیس جمهور و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید میشود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید، لویه جرگه از طرف رئیس جمهور دعوت میشود.

بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه انتخابات بر گزار می گردد.
ماده یکصد و شصتم
در ختم حالت اضطرار اقداماتی که بر اساس مواد یکصد و پنجاه و ششم و یکصد و پنجاه و هفتم این قانون اساسی به عمل آمده، بلا فاصله از اعتبار ساقط می گردد.

فصل یازدهم

تعدیل

ماده یکصد و شصت و یکم
اصل پیروی از اساسات دین مقدس اسلام و نظام جمهوری تعدیل نمیشود.
تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف بمنظور بهبود حقوق آنان مجاز میباشد.
تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و یکصد و پنجاه و هشتم این قانون اساسی با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت شورای ملی صورت میگیرد.

ماده یکصد و شصت و دوم
به منظور اجرای پیشنهاد تعدیل، هیئتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی ستره محکمه و دیوان عالی قانون اساسی به فرمان رئیس جمهور تشکیل گردیده و طرح تعدیل را تهیه میکند.
برای تصویب تعدیل، لویه جرگه براساس فرمان رئیس جمهور و مطابق به احکام فصل لویه جرگه دایر می گردد.
هرگاه لویه جرگه با اکثریت دو ثلث کل اعضا، طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل دوازدهم

احکام متفرقه

ماده یکصد و شصت و سوم

رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، صدراعظم، وزراء، رؤساء و اعضای ستره محکمه و دیوان عالی قانون اساسی در مدت تصدی وظیفه، نمیتوانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت و اشخاص انجام دهند. معاملاتیکه به منظور تأمین نیازمندیهای شخصی انجام یابد، از این امر مستثنی میباشد.

ماده یکصد و شصت و چهارم

رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، صدراعظم، وزراء، رؤساء و اعضای شورای ملی، ستره محکمه و دیوان عالی قانون اساسی و قضات نمی توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده یکصد و شصت و پنجم

قضات، حائزین امان، صاحب مناصبات اردو، پولیس و منسوبین امنیت ملی در مدت تصدی وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصد و شصت و ششم

دارائی رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، صدراعظم، وزراء و اعضای ستره محکمه، قبل و بعد از دوره خدمت، توسط ارگانی که در قانون تعیین می گردد تثبیت، رسیدگی و نشر میشود.

ماده یکصد و شصت و هفتم

برای معاون رئیس جمهور، صدراعظم و وزراء رؤساء و اعضای شورای ملی، ستره محکمه و دیوان عالی قانون اساسی و قضات، مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

فصل سیزدهم

احکام انتقالی

ماده یکصد و شصت و هشتم

لقب بابای ملت و امتیازات اعزازی که توسط لویه جرگه اضطراری سال 1381 هـ ش به اعلیحضرت محمد ظاهر، شاه سابق افغانستان اعطا شده است، با رعایت احکام این قانون اساسی مادام الحیات برای ایشان محفوظ میباشد.

ماده یکصد و شصت و نهم

مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی دوره انتقال شمرده میشود. در دوره انتقال، دولت انتقالی اسلامی افغانستان در خلال مدت کمتر از یکسال وظایف ذیل را انجام میدهد:

1- اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی، شوراهای محلی، تشکیلات و صلاحیت محاکم و تشکیلات اساسی.

2- تأسیس دیوان عالی قانون اساسی مطابق به احکام این قانون اساسی.

3- تشکیل کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات.

4- انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرائی و قضائی.

5- اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

ماده یکصد و هفتادم

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به منظور تعمیم فقره دوم ماده یکصد و شصت و نهم این قانون اساسی سه نفر را بحیث اعضای مؤقت دیوان عالی قانون اساسی تعیین میکند.

این اعضا تا زمان تشکیل دیوان عالی قانون اساسی اجرای وظیفه مینمایند.

رئیس جمهور که به موجب احکام این قانون اساسی انتخاب می گردد. از تاریخ آغاز وظیفه در خلال مدت سی روز دو نفر را برای مدت سه سال، دو نفر را برای مدت شش سال و دو نفر را برای مدت 9 سال بحیث اعضای دیوان عالی قانون اساسی تعیین می نماید.

تعیینات بعدی مطابق حکم ماده یکصد و چهل و دوم این قانون اساسی صورت میگیرد.

ماده یکصد و هفتاد و یکم

اولین رئیس جمهور منتخب سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات مطابق به احکام این قانون اساسی به کار آغاز میکند.

بعد از دایر شدن اولین جلسه ولسی جرگه در خلال مدت سی روز، حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می گردد.

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغا نکند، اجرای وظیفه می نماید.

ارگانهای اجرایی و قضائی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصد و شصت و نهم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت و ستره محکمه به وظایف خود ادامه میدهند.

فرامین تقنینی که از آغاز دوره مؤقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسه شورای ملی ارجاع می گردد.

ماده یکصد و هفتاد و دوم

این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس جمهور دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می گردد.

و با نفاذ آن قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام این قانون اساسی ملغی میباشد.

فهرست مأخذ

- 1- آئين، غلام على، (1343)، به سوي نظام سياسي سالم، هفته نامه اميد، شماره 75، ص 5، چاپ امريكا.
- 2- روستار، تره كي، (1382)، مجله آسمايي صص 41-44 .
- 3- سجادي، عبدالقيوم، (1382)، آسيب شناسي قوانين اساسي گذشته افغانستان، كتاب قانون اساسي ميثاق ملي.

- 4- عثمان، محمد اکرم، (1384)، بررسی مقالات قانون اساسی در پرتو جامعه‌شناسی تاریخی، نشر قانون اساسی میثاق ملی.
- 5- غبار، میر غلام محمد (1387)، افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، چاپ ویرجینیای ایالات متحده امریکا، نشر اداره دارالنشر افغانستان.
- 6- فرامین مقام دولت انتقالی اسلامی افغانستان، اریخ 13 / 7 / 1381 و فرمان شماره 6 مورخ 6 / 2 / 1382 در رابطه به تعیین کمیسیون های تسوید و تدقیق قانون اساسی و ضمایم مربوط.
- 7- قاسم زاده، (1340)، «حقوق اساسی» چاپ هفتم، تهران.
- 8- قاضی، ابوالفضل، شریعت پناهی، (1371)، حقوق اساسی و نهاد های سیاسی، چاپ دانشگاه تهران.
- 9- قانون اساسی افغانستان سال 1382، منتشره جریده رسمی شماره مسلسل 818، دلو سال 1382.
- 10- قانون اساسی، میثاق ملی (2003)، نشر کانون مطالعات و پژوهش های افغانستان، لندن، گردآوری و تدوین سید اکبر زیوری، کنفرانس لندن اپریل سال 2003.
- 11- قانون اساسی 9 میزان سال 1343، منتشره جریده رسمی شماره مسلسل 12، مورخ 11 میزان سال 1343.
- 12- قانون اساسی دولت جمهوری افغانستان، سال 1355. منتشره جریده رسمی شماره مسلسل 360 مورخ 15 حوت سال 1356.
- 13- قانون اساسی افغانستان سال 1366-1369، منتشره جریده رسمی شماره مسلسل 728 مورخ 15 عقرب سال 1369.
- 14- نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان، سال 1300 هـ - ش، منتشره میزان سال 1305 در مطبعه رفیق.
- 15- اصولنامه اساسی دولت افغانستان 8 عقرب، سال 1310.
- 16- اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، منتشره جریده رسمی شماره مسلسل 1450، مورخ اول ثور سال 1359.
- 17- محمد نبی تدبیر، (1382)، لویه جرگه قانون اساسی، ترتیب کننده، محمد نبی تدبیر، نشر آی-دبلیو-پی.
- 18- متن مصوب قانون اساسی سال 1382 که هر صفحه آن به امضای رئیس لویه جرگه قانون اساسی مزین می باشد. مورخ 14 جدی سال 1382.
- 19- متن نهایی مرتبه کمیسیون تدقیق قانون اساسی تاریخ 27 میزان سال 1382.
- 20- متن نامه ارسالی ریاست کمیسیون تدقیق قانون اساسی به مقام دولت انتقالی اسلامی افغانستان.
- 21- موافقت نامه بن، (1381)، ترتیبات موقت در افغانستان تا زمان تأسیس مجدد موسسات دایمی در افغانستان.
- 22- نگارنده، (1388)، نقد و تحلیل قانون اساسی افغانستان، جلد اول، انتشارات سعید، کابل افغانستان.
- 23- نگارنده، (1388)، مروری بر قوانین اساسی افغانستان، مرکز نشراتی سعید، کابل، افغانستان.
- 24- یادداشت دارالانشأ کمیسیون تدقیق قانون اساسی در رابطه به آخرین اصلاحاتی که بر اساس نظریات مردم در طرح وارد شده است.
- 25- یادداشت منتشره دارالانشأ کمیسیون قانون اساسی مورخ 10 و 11 جدی سال 1382.
- 26- یادداشت های شخصی نگارنده از جریان کار کمیسیون تدقیق قانون اساسی.
- 27- Yash Pal Ghai and Barnett R Rubin- چهارم آگست سال 2003 نظریات ارائه شده به کمیسیون تدقیق قانون اساسی که در دارالانشأ کمیسیون ثبت است.

- 28 - Said Amir Arjomand and Kim Lane Scheppele نظریات ارایه شده به کمیسیون
تدقیق قانون اساسی که در دارالانشأ کمیسیون ثبت است.
- 29 - Option Paper on a Constitutional Court for Afghanistan نظریاتی که در
دارالانشأ کمیسیون ثبت است.